



Analysis of Scientific Papers on Archetypic Criticism in Epic Genre During the 2010s

Maryam Ameli Rezaei^{*1}, Tayyebah Sheikhveisi²

Received: 31/05/2022

Accepted: 01/07/2022

* Corresponding Author's E-mail:
m_rezaei53@yahoo.com

Abstract

Archetypic criticism is an approach which has had considerable development in writing the scientific papers in recent decades. It is mostly used in literary studies and is interconnected to the literature. Designed by a research plan, this paper studies the archetypic criticism in Iran discussed in literary criticism in the academic papers related to the epic genre, and analyzes the discourse of archetypic criticism, its repetitive elements and also the development of such elements in papers. It starts by reviewing the works of effective individuals on introducing archetypic criticism, its discourse, its historical and thematic developments in epic genre, employing a descriptive-analytical method. Interdisciplinary studies have focused on archetypic approach since the 1960s. In the 1980s and 1990s, many authors especially those who are now well-known in this field, opened a new way in studies of archetypic criticism. The dominance of content analyses, comparative reading and discovering the meaning, are some considerable specifications of papers of this period. During the 2010s many academic papers were published on this matter and the current paper has investigated their structure and method.

Keywords: Archetypic criticism, epic genre, scientific research papers

1. Associate Professor of Humanities and Cultural Studies Research Center.
<https://orcid.org/0000-0003-1830-1779>

2. PhD student of Al-Zahra University.
<https://orcid.org/0000-0000-0001-9152-8692>



Extended Abstract

Archetypic criticism is an approach which has been considerably developed in recent decades. This type of criticism is mostly used in literary studies. Derived from the research plan, this paper studies and analyzes the archetypic criticism in Iran in academic papers related to the epic genre, and analyzes the discourse of archetypic criticism, its repetitive elements and also the development of such elements in papers. As already mentioned, Studies on Shahnameh [The Book of Kings] were mostly shaped by orientalism at the beginning of the century. Following nationalism and the establishment of new concepts such as government- people, epic studies and especially works focusing on Shahnameh, expanded in an extensive form. Before the 1950s, they were mostly related to the content analyses, vocabulary and linguistic studies, and so they could be considered as historical and sociological introductions to Shahnameh. From the 1950s/1960s, psychological and mythological studies in literary studies were introduced to the field. At first, papers and books on Shahnameh, written at the beginning of the century, were reviewed and then papers on archetypic criticism of epic genre from the 1990s were studied. The style of writing has seemingly changed during the 2000s and 2010s. Scientific research journals provide an academic requirement for essay writing with the predetermined methodologies. Many academic papers were produced within these two decades. Their main structure was studying the details, choosing two or more elements and trying to employ the theory in the context. As observed in many papers, this approach has both advantages and disadvantages. In the 2000s, attention has been given to visual specifications and natural elements in myths but in the 2010s, the characters were related to more complicated definitions of archetypic criticism such as shadow, persona and perfection of hero. Travel, rebirth and decorum patterns are apparently the most significant ones in this period.

تحلیل جریان‌شناسانه مقاله‌های علمی مرتبط با نقد کهن‌الگویی در ژانر حماسه

(از دهه بیست تا پایان دهه نود شمسی)

مریم عاملی رضایی^{۱*}، طیبه شیخ‌ویسی^۲

(دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰)

چکیده

نقد کهن‌الگویی از رویکردهایی است که در چند دهه اخیر در نگارش مقالات علمی گسترش چشمگیری یافته است. این نقد در مطالعات ادبی کاربرد بسیار دارد و به‌نوعی با ادبیات درهم‌تنیده است. در این مقاله که برگرفته از طرحی پژوهشی است، با نگاهی جریان‌شناسانه به نقد کهن‌الگویی در ایران — به‌شکل جریان‌ی مطرح در نقد ادبی — به بازشناسی و تحلیل آن در مقالات دانشگاهی مرتبط با ژانر حماسی پرداخته و گفتمان حاکم بر این نقد، مؤلفه‌های تکرارشونده و سیر تطور این مؤلفه‌ها در مقالات تحلیل شده است. جامعه آماری شامل پیشینه‌ای از مقالات و کتاب‌هایی درحوزه شاهنامه‌پژوهی است که از ابتدای قرن به‌تحریر درآمده و نیز مقالات علمی — پژوهشی‌ای که از دهه هفتاد به‌بعد، با رویکرد نقد کهن‌الگویی، متون مربوط به ژانر حماسه را

۱. دانشیار، پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

* m_rezaei53@yahoo.com
<https://orcid.org/0000-0003-1830-1779>

۲. دانشجوی دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
<https://orcid.org/0000-0000-0001-9152-8692>

واکاوی کرده‌اند. در این پژوهش، افراد شاخص و اثرگذار در معرفی رویکرد نقد کهن‌الگویی، گفتمان‌های حاکم بر آن و سیر تطور تاریخی و موضوعی رویکرد مذکور در ژانر حماسه با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. از حدود دههٔ چهل شمسی، مطالعات میان‌رشته‌ای با رویکرد نقد کهن‌الگویی مورد توجه قرار گرفت. در دههٔ شصت و هفتاد، غالب نویسندگان، به‌ویژه نویسندگانی که امروز در این عرصه شناخته شده‌اند، راهی تازه در مطالعات نقد کهن‌الگویی گشودند. از مشخصات بارز مقالات این دوره، غلبهٔ تحلیل‌های محتوایی، خوانش‌های تطبیقی و کشف معناست. در دههٔ هشتاد و نود، حجم انبوهی از مقالات دانشگاهی تولید شد که گرچه در ساختار نظام‌مندتر است، آسیب‌های فراوانی نیز در نگارش و تحلیل‌های آن‌ها وجود دارد که به تفصیل در متن مقاله به آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: جریان‌شناسی، نقد کهن‌الگویی، ژانر حماسه، مقالات علمی - پژوهشی.

۱. مقدمه

نقد ادبی به معنای مدرن در ایران پیشینهٔ تاریخی طولانی ندارد؛ اما چگونگی شکل‌گیری این رویکرد و رشد و گسترش آن در خوانش متون ادبی در دهه‌های اخیر، بخشی از تاریخ مطالعات پژوهش‌های ادبی در ایران را رقم می‌زند. لزوم بازشناسی روند این پژوهش‌ها و شکل‌گیری تدریجی آن، به‌ویژه از دههٔ هشتاد که با حجم وسیعی از پژوهش‌هایی از این دست و بحث‌هایی در سودمندی و ضرورت داشتن یا نداشتن آن روبه‌رویم، در شناخت وضعیت کنونی تولید دانش به‌خصوص در دانشگاه‌ها و از طریق مقالات علمی - پژوهشی، ضروری می‌نماید. در این میان، رویکرد نقد کهن‌الگویی در مقایسه با سایر خوانش‌های نقد از اقبال ویژه‌ای برخوردار بوده است. این امر هم ناشی از خصلت و قابلیت ویژهٔ متون ادبی در تطابق با این رویکرد است و هم با نگاهی گذرا به تعداد آثار منتشرشده با این رویکرد به نظر می‌رسد عطش شناخت کهن‌الگوهای جمعی در متون

ادبی فارسی به مسئله‌ای فرهنگی تبدیل شده است؛ چنان‌که بنا بر پژوهش‌های انجام‌شده، از رویکرد یونگی در مقالات مربوط به روان‌شناسی بیش از سایر رویکردها استفاده شده و حدود ۸۰ درصد حجم مقالات حیطه نقد روان‌شناختی به این رویکرد اختصاص دارد (رک. مهدوی و غلامحسین‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۰).

کهن‌الگوها تصاویر، شخصیت‌ها، طرح‌های روایی و درون‌مایه‌های نوعی‌ای است که در آثار ادبی حضور دارد و می‌توان گفت شالوده اثر ادبی براساس آن‌ها شکل می‌گیرد. «نقد کهن‌الگویی» که گاه «نقد اسطوره‌ای» هم نامیده می‌شود، در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ م در آثار مودبودکین، رابرت گریوز، جوزف کمپبل، ریچارد چیس، فرانسیس فرگوسن، نورتروپ فرای و دیگران ظاهر شد. این نقد از دیدگاه متفکران علوم اجتماعی و انسان‌شناسانی همچون جیمز فریزر و کارل گوستاو یونگ بهره فراوان برد. جیمز فریزر با نگارش کتاب *شاخه زرین* (۱۸۹۰-۱۹۱۵) ردپای کهن‌الگوهای اساطیری و آیینی را در قصه‌ها و مناسک فرهنگ‌های گوناگون مشخص کرد و به نوعی «دستور زبان تخیل آدمی» دست یافت؛ کاری که یونگ در تعریف «ناخودآگاه جمعی» بعدها به آن اشاره کرد. ناخودآگاه جمعی در این تعریف شالوده خلق اسطوره‌ها، دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و مضامین و تخیلاتی است که بین فرهنگ‌های گوناگون و دوره‌های تاریخی مشترک است؛ گرچه جزئیات اسطوره‌های کهن‌الگویی از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. به اعتقاد فرای، کهن‌الگوها در ادبیات حضور دارد و به ادبیات منتهی می‌شود. ناقد ادبی این امر را به منزله یک واقعیت می‌پذیرد و از نگرش کهن‌الگویی به عنوان بخشی از روش‌شناسی انتقادی جامع استفاده می‌کند. نقد کهن‌الگویی با نقد ساختارگرا، نقد نو، نقد ژانر، نظریه بینامتنیت و ادبیات تطبیقی ارتباط برقرار کرد و اکنون به عنوان روشی شناخته‌شده در تحلیل آثار ادبی به کار می‌رود (رک. مکاریک، ۱۳۹۳: ذیل «نقد کهن‌الگویی»).

اسطوره‌ها مانند ساختارهای روایی عام — کمدی، داستان عاشقانه، تراژدی، آبرونی و هزل — ساختارهای سیال صور خیال در آثار ادبی است. از آنجا که بسیاری از نویسندگان در کارشان از داستان‌های کهن یا اسطوره‌های فرهنگ خود یا فرهنگ‌های دیگر بهره می‌گیرند، نقد کهن‌الگویی روشی برای شناسایی این پدیده‌های تکرارشونده و نحوه کارکرد آن‌ها در آثار ادبی است. از دیدگاه اسطوره‌شناسان، اسطوره اساساً چهار کارکرد دارد: کارکرد کیهان‌شناختی، کارکرد عرفانی، کارکرد جامعه‌شناختی و کارکرد اخلاقی (رک. کمپبل، ۱۳۷۷: ۶۱). هریک از این کارکردها با یک ژانر مشخص در ادبیات پیوند می‌یابد.

کارکرد کیهان‌شناختی اساطیر نوعی تفسیر و تبیین جهان طبیعت با رویکرد اسطوره‌ای است. این رویکرد در ژانر حماسه و در قالب فهم انسان اساطیری از جهان بیرونی نمود می‌یابد. غلبه بر موانع جهان طبیعی، درگیری نیروهای طبیعی و کشاکش انسان و طبیعت در این ژانر جلوه‌گر می‌شود و اسطوره‌های ژانر حماسی تلاشی دیالکتیکی برای یافتن معنایی از میان اطلاعات بی‌نظم و درهم‌وبرهمی است که طبیعت ارائه می‌دهد. بر این اساس، ژانر حماسه بستری مناسب برای مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با نقد کهن‌الگویی است.

با اتخاذ رویکرد جریان‌شناسانه در سیر مطالعاتی تاریخی — ادبی و با توجه به عنوان مقالات نگارش‌یافته در حوزه حماسه، به‌اجمال می‌توان گفت شاخه اول مطالعات ژانر حماسی در ایران، مطالعات متنی است که حول محور تصحیح متن شاهنامه شکل گرفت. این مطالعات از ابتدای قرن چهاردهم شمسی و با روی کار آمدن پهلوی اول آغاز شد و از سال‌های ۱۳۱۰ با برگزاری جشن هزاره فردوسی، با حضور استادان تراز اول آن زمان یعنی مینوی، بهار، فروزانفر، فروغی و حکمت، و خاورشناسانی همچون ژول مول، هانری ماسه و تئودور نولدکه ادامه یافت. این شاخه از پژوهش‌های متنی با جلال خالقی مطلق در روزگار معاصر دنبال شد. در شاخه دوم مطالعات حماسی، تحلیل‌های فرامتنی از متون

حماسی شکل گرفت. در این تحلیل‌ها، متون حماسی به‌شیوه‌ای نو، تحلیلی و ژرف‌کاوانه بررسی شد. اگرچه این مطالعات اغلب جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی است، چارچوب نظری خاصی بر آن‌ها حاکم نبوده و به‌شکل مستقیم از رویکردهای نظریه و نقد بهره نبرده است. پژوهشگرانی همچون محمدامین ریاحی، مهرداد بهار، ژاله آموزگار، بهمن سرکاراتی، احمد تفضلی، اسلامی ندوشن، شاهرخ مسکوب، منصور رستگار فسایی، محمدجعفر یاحقی، محمود امیدسالار و محمد مختاری هریک عهده‌دار بخش‌هایی از این مطالعات و پژوهش‌ها در متون حماسی بودند و از دههٔ چهل به‌بعد، مطالعات حماسه‌پژوهی را ساختارمند کردند و وارد تحلیل‌های ژرف‌تر و کلان در این حوزه شدند. به‌موازات گسترش جریان نقد و نظریه در جهان و سپس ایران، از دههٔ هفتاد که به‌تدریج نظریه و نقد وارد مطالعات دانشگاهی شد، نوع سومی از پژوهش‌ها شکل گرفت که در آن‌ها، با رویکردهای مشخص نظریه‌پردازی، به تحلیل متون حماسی همت گماشتند. مطالعات نو و غلبهٔ نظریه‌ها و دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای بر ساحت مطالعات پژوهشی، این پژوهش‌ها را به‌سمت تحلیل متن در قالب نظریه‌ها هدایت کرد. در حیطهٔ مورد بحث در این پژوهش، یعنی رویکرد نقد کهن‌الگویی و اسطوره‌شناسی، جلال ستاری، ابوالقاسم اسماعیل‌پور و سیروس شمیسا از نخستین پژوهشگرانی بودند که این جریان را ایجاد و هدایت کردند.

پرسش اصلی در مقاله حاضر این است: مقالات دانشگاهی چگونه این جریان مطالعاتی را نمایندگی کردند و آن را به چه سمت و سویی سوق دادند؟ ویژگی کلی این مقالات چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد و آسیب‌های آن‌ها کدام است؟ «جریان» در معنای قاموسی، بر فعالیت مستمری دلالت دارد که حرکت و پویایی، مهم‌ترین وجه ماهوی آن است. این واژه در کاربردهای مصطلحی که در علوم و فنون

مختلف (از جمله علوم انسانی و ادبیات) دارد، واجد معانی خاصی است. در تعریف مورد نظر در این پژوهش، جریان‌شناسی عبارت است از «شناخت منظومه فکری و فرهنگی یک گفتمان، چگونگی و روند شکل‌گیری و سیر تطور تاریخی آن با معرفی چهره‌های تأثیرگذار در آن» (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۰).

۲. جامعه آماری و پیشینه تحقیق

تحقیقات مبتنی بر نقد کهن‌الگویی آثار ادبی در ایران تا پیش از دهه شصت اندک‌شمار است و بیشتر شامل کتب و مقالاتی می‌شود که درصدد اثبات و تبیین مفاهیم این نقد و توضیح و تفسیر آن برآمده است. از اوایل دهه هفتاد، شاهد استفاده گسترده‌تر از این نظریه و کاربرست آن در متون ادبی هستیم. با گسترش مجلات علمی - پژوهشی و رویکردهای مبتنی بر نقد ادبی از اواسط دهه شصت، حجم مقالات مبتنی بر این نوع نقد در مجلات به‌گونه چشمگیری افزایش می‌یابد. مقالاتی که در این پژوهش بررسی شد، از ابتدای معرفی این دیدگاه در ایران، یعنی سال ۱۳۲۳، تا انتهای سال ۱۳۹۷ است. این مقالات شامل آن دسته از پژوهش‌هاست که در نوع ادبی حماسه با رویکرد نقد کهن‌الگویی از دیدگاه کارل گوستاو یونگ و نورترپ فرای بررسی شده است. پیش از ورود به بحث اصلی و بررسی و تحلیل مقالات، به‌عنوان مقدمه‌ای بر بحث، ژانر حماسه و مطالعات مربوط به آن تا پیش از دهه شصت، به‌عنوان جریانی شاخص در مطالعات ادبی، مقالات و افراد مربوط به آن معرفی و دسته‌بندی شده است.

در ارزش فردوسی، شاهنامه و جایگاه مطالعات حماسی تردیدی نیست و خوشبختانه به‌دلایل مختلف فردوسی از نخستین شاعرانی است که از ابتدای سده جدید مورد توجه روشن‌فکران و حکومت مرکزی ایران قرار گرفت. دلایل این امر به

ریشه‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی خاص عصر مشروطه و سلطنت پهلوی بازمی‌گردد.^۱ نمونه بارز آن که جریانی مهم در فردوسی‌شناسی ایجاد کرد، برگزاری کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی بود. هزاره فردوسی یا جشن هزاره فردوسی مجموعه‌آیین‌هایی بود که به مناسبت هزارمین سال میلاد فردوسی در سال ۱۳۱۳ ش در تهران، طوس و دیگر شهرهای ایران برگزار شد. در این کنگره که نخستین اجتماع بزرگ علمی ایران بود، چهل تن از ایران‌شناسان برجسته از هفده کشور و چهل تن از دانشمندان و ادیبان ایرانی حضور داشتند. به مدت پنج روز، از ۱۲ تا ۱۶ مهر ۱۳۱۳، سخنرانی‌هایی در تالار دارالفنون تهران ایراد و تعدادی از آن‌ها در کتاب *هزاره فردوسی* چاپ شد. این جشن از رویدادهای مهم فرهنگی قرن و مهم‌ترین کنگره علمی بود که در ایران برگزار شد. هم‌زمان با این کنگره، در بیشتر شهرهای ایران ضمن برگزاری مراسمی، نمایش‌نامه‌هایی از *شاهنامه* اجرا شد و در شهرهای مختلف دبیرستان‌هایی به نام فردوسی نام‌گذاری گردید. برگزاری این آیین‌ها، سرآغاز تحقیقات وسیعی درباره شاهنامه‌شناسی در ایران و جهان شد. در ایران، دو دوره متن *شاهنامه* به سرمایه کتاب‌فروشی‌های خاور و بروخیم به چاپ رسید. مجله ادبی مهر شماره‌های مهر و آبان ۱۳۱۳ خود را یک‌جا به نام *فردوسی‌نامه* مهر، شامل مقالاتی درباره شاهنامه‌ی فردوسی، منتشر کرد. مجله *باختر* در اصفهان نیز شماره ویژه فردوسی انتشار داد.

سید حسن تقی‌زاده نخستین فردی است که با نگارش سلسله‌مقالات *عالم‌نامه* خود، فردوسی را از لحاظ اهمیت تاریخی و مقام ملی به جامعه ایرانی شناساند و درباب احوال و افکار او و چگونگی نظم *شاهنامه* به طریق تحقیقی و انتقادی افاده مطلب کرد. مجموعه‌مقالات تقی‌زاده درباره فردوسی و *شاهنامه* به اهتمام حبیب یغمایی جمع‌آوری و در یک مجلد به سرمایه انجمن آثار ملی چاپ شد. پس از او، محمد قزوینی با نشر

علمی و انتقادی مقدمه قدیم شاهنامه، حلقه استواری بر این سلسله افزود. محمدعلی فروغی شاهنامه را با ذوق سلیم خلاصه کرد و باز از آن خلاصه منتخبی گزیده ساخت؛ مقدمه‌ها، مقاله‌ها و خطابه‌ها درباره فردوسی نوشت و خواند که هریک در شناساندن پهلوان میدان فکر و احساس حقیقی و ایرانی‌گری مؤثر بود. مجتبی مینوی در تهیه و چاپ دوره شاهنامه توسط کتاب‌فروشی بروخیم شرکت کرد و با محمدعلی فروغی در تهیه خلاصه شاهنامه همکاری داشت. استادان، دانشمندان و نویسندگان دیگر قرن اخیر همچون ملک‌الشعرای بهار، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، عبدالعظیم قریب، سید محمد محیط طباطبایی، نصرالله فلسفی، دکتر رضازاده شفق، علی دشتی، بدیع‌الزمان فروزانفر و حبیب یغمایی، یکی پس از دیگری، بحث‌های مفیدی را آغاز کردند و نکته‌های تازه و خواندنی نوشتند (رک. افشار، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹). همچنین این تلاش‌ها تا حد بسیار زیادی مرهون اهتمام خارجیان دانشمندی است که از سال ۱۸۱۱ م به طبع شاهنامه و تحقیق در آن اثر پرداختند و تجسس در سوانح احوال و افکار شاعر و مخصوصاً نقد شاهنامه را وجهه نظر علمی خود قرار دادند؛ دانشمندانی همچون اشپیگل، تئودر نولدکه، هرمان اته، پل هرن، ادوارد براون، ژول مول، فریتس ولف، فولرس و ا.ا. استاریکف در این راه گام‌های استوار برداشتند و خدمات باارزش انجام دادند، تا جایی که حدود پانصد کتاب و مقاله به زبان‌های خارجی درخصوص این شاعر نشر شد که عده‌ای از آن‌ها مربوط به سرگذشت فردوسی و قسمتی هم ترجمه شاهنامه است (همان: ۳۰). مجموعه این تلاش‌ها به تأسیس بنیاد شاهنامه انجامید. بنیاد شاهنامه فردوسی، مؤسسه تحقیقاتی وابسته به وزارت فرهنگ و هنر، در سال ۱۳۵۰ با هدف پیشبرد پژوهش‌هایی درباره شاهنامه‌ی فردوسی و تصحیح و انتشار متن انتقادی این اثر سترگ بنیان‌گذاری شد. سرپرستی علمی بنیاد از ابتدا با مجتبی مینوی و از سال

۱۳۵۵ با محمدامین ریاحی بود. کوشش‌های این بنیاد شامل گردآوری نسخه‌های شاهنامه، بن‌مایه‌های پژوهشی درباره شاهنامه از سراسر جهان و ارزیابی آن‌ها به‌منظور تصحیح متن شاهنامه و برابر نهادن نسخه‌ها و تهیه متن تصحیح‌شده از بخش‌های مختلف شاهنامه توسط پژوهشگران بنیاد بود. از برجسته‌ترین پژوهشگران این بنیاد جلال خالقی مطلق و احمد تفضلی بودند. پس از انقلاب، این بنیاد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادغام شد.

این پیش‌گامان و اندیشمندانی همچون ذبیح‌الله صفا، شاهرخ مسکوب، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، پرفسور فضل‌الله رضا و دیگران در سال‌های اخیر به شناساندن فردوسی همت گماشتند. اگر تلاش‌های ابتدایی بیشتر معطوف به تصحیح متن شاهنامه یا جهان‌بینی فردوسی بود، کم‌کم پژوهش‌ها به سمت تحلیل‌های محتوایی بیشتری پیش رفت؛ برای نمونه محمدعلی اسلامی ندوشن (۱۳۰۴) در کتاب‌های زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه (۱۳۴۸)، داستان داستان‌ها؛ رستم و اسفندیار در شاهنامه (۱۳۵۱) و درباره رستم و سهراب (۱۳۵۳) به تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی پرداخت؛ شاهرخ مسکوب در کتاب‌های مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار (۱۳۴۲)، سوگ سیاوش: در مرگ و رستاخیز (۱۳۵۰) و ارمغان مور: جستاری در شاهنامه (۱۳۸۴) به تحلیل‌های وجودی، محتوایی و کهن‌الگویی پرداخت. محمدامین ریاحی (۱۳۰۳-۱۳۸۸) کتاب سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی؛ مجموعه نوشته‌های کهن درباره فردوسی و شاهنامه و نقد آن‌ها (۱۳۷۲) را نوشت. بنیاد شاهنامه فردوسی بنا بر طرح پیشنهادی وی، به دست وزارت فرهنگ و هنر تأسیس شد و علاوه بر تهیه اساس‌نامه این بنیاد، از ابتدای تأسیس آن عضویت هیئت‌امنا را بر عهده داشت. در سال ۱۳۵۴، جانشین مینوی در سمت ریاست علمی بنیاد شد. از آن هنگام تا سال ۱۳۵۷،

فعالیت‌های علمی بنیاد، ازجمله چاپ و نشر نسخه‌های خطی شاهنامه، را انجام داد؛ همچنین در سال ۱۳۶۹، شاهنامه ژول مول را تجدیدچاپ کرد و مقدمه‌ای جامع بر آن نوشت. در مقاله «سال‌شماری زندگی فردوسی و سیر تدوین و تکمیل شاهنامه» که در سال ۱۳۷۱ منتشر شد، با تکیه بر ادبیات و اسنادی از فردوسی، سال‌شمار دقیقی از زندگی وی به‌دست داد. کتاب فردوسی، زندگی، اندیشه و شعر/او اولین بار در سال ۱۳۷۵ منتشر شد و به‌اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، بهترین اثر عمومی در معرفی فردوسی و شاهنامه است.

منصور رستگار فسایی (۱۳۱۷) استاد دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه‌های معتبری همچون کمبریج انگلستان، هاروارد، پنسیلوانیا، آریزونا و دانشگاه دولتی مسکو بود. او جایزه بهترین کتاب دانشگاهی را برای کتاب ۲۱ گفتار درباره شاهنامه و فردوسی (۱۳۷۰) دریافت کرد. منصور رستگار فسایی با نگارش آثاری همچون تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی (۱۳۵۲)، فرهنگ نام‌های شاهنامه (۲ جلد، ۱۳۶۹)، حماسه رستم و اسفندیار (۱۳۸۳)، پیکرگردانی در اساطیر (۱۳۸۸) و متن‌شناسی شاهنامه فردوسی (۱۳۸۵)، مطالعات مربوط به تحلیل‌های شاهنامه را به‌پیش برد؛ به‌ویژه کتاب پیکرگردانی در اساطیر از متون مهم مطالعات حماسی معاصر است.

در زمینه اسطوره‌شناسی، اولین کتاب نقد اسطوره‌شناختی پژوهشی در اساطیر ایران از مهرداد بهار (۱۳۵۲) است. همچنین احمد تفضلی با ترجمه کتاب‌های نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌های ایران از کریستن سن (ترجمه و تحقیق با همکاری ژاله آموزگار، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۸) که برنده جایزه کتاب سال ۱۳۶۹ شد و نیز شناخت اساطیر ایران از جان هیلز (ترجمه با همکاری ژاله آموزگار) و بهمن سرکاراتی با نگارش کتاب سایه‌های شکار شده (۱۳۸۷) و مقالات «بری، تحقیقی در

حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی» (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ۱۳۵۰) و «جابه‌جایی اساطیر در شاهنامه» (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ۱۳۵۷) ابعاد اسطوره‌ای و کهن‌الگویی مطالعات حماسی را پایه‌ریزی کردند. مجموعه‌های مربوط به اسطوره‌شناسی جلال ستاری، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی دکتر محمدجعفر یاحقی، بت‌های ذهنی و خاطره‌آزلی داریوش شایگان و در دوران متأخر مجموعه کتاب‌های دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور درباره اسطوره‌شناسی این مطالعات را گسترش بخشید. محمد مختاری با کتاب‌های اسطوره زال: تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی (۱۳۶۹) و حماسه در فراز و فرود ملی (۱۳۶۸) دیدگاه‌های جامع‌تر و جامعه‌شناسانه‌تری را درخصوص مطالعات حماسی بسط داد. این کتاب‌ها تنها بخشی گزیده از بی‌شمار کتب و مقالات مربوط به این حوزه است.

در عین حال، پژوهش درباره متن شاهنامه نیز فراموش نشد و اندیشمندانی همچون جلال خالقی‌مطلق (۱۳۱۶) گرچه در خارج از ایران و دانشگاه هامبورگ مشغول تدریس زبان و ادبیات فارسی بود، ضمن انجام پژوهش‌های تحلیلی گسترده در زمینه ادبیات حماسی ایران و شاهنامه از جمله کتاب‌های گل رنج‌های کهن (۱۳۷۲) و سخن‌های دیرینه (۱۳۸۱) که در تهران چاپ شد، شاهنامه را در هشت دفتر طی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۶ در نیویورک زیر نظر احسان یارشاطر منتشر کرد. این تصحیح حاصل سی سال کار مداوم خالقی‌مطلق در گردآوری و بررسی کهن‌ترین دست‌نویس‌های شاهنامه و مقابله آن‌هاست. در این نگارش، از همکاری ابوالفضل خطیبی و محمود امیدسالار نیز بهره برده است. محمود امیدسالار برای کتاب بوطیقا و سیاست در شاهنامه شایسته تقدیر سی‌وششمین دوره کتاب سال ایران شد.^۲

۳. بحث و بررسی

از ابتدای دهه شصت، به شکل پراکنده شاهد نگارش مقالات با رویکرد نقد کهن‌الگویی هستیم. در دو دهه شصت و هفتاد، مقالات اندکی در این حیطه نگاشته شده است؛ گرچه همان مقالات اندک، نویسندگان اثرگذاری داشته‌اند که به‌نوعی جریان نقد کهن‌الگویی را ایجاد و هدایت کرده‌اند. در دهه‌های بعد، رشد مجلات علمی - پژوهشی و ورود دانشجویان به این عرصه سبب شد حجم مقالات افزوده شود، اما کیفیت آن‌ها کاهش یابد. مقالات ارزیابی‌شده در این پژوهش شامل مطالعاتی است که در ژانر حماسه و با رویکرد نقد کهن‌الگویی، از ابتدای معرفی دیدگاه‌های یونگ در ایران، یعنی سال ۱۳۲۳، تا پایان سال ۱۳۹۷، نوشته شده است. در جست‌وجوهای به‌عمل‌آمده، در مجموع ۱۱۵ مقاله که با تکیه بر متون حماسی و رویکرد نقد کهن‌الگویی نوشته شده بود، انتخاب و به چهار دسته تقسیم شد: ۱. مقالات از ابتدا تا پایان دهه ۶۰، شامل ۲۷ مقاله؛ ۲. مقالات دهه ۷۰، شامل ۱۰ مقاله؛ ۳. مقالات دهه ۸۰، شامل ۳۳ مقاله؛ ۴. مقالات دهه ۹۰، شامل ۴۵ مقاله.

در دهه‌های شصت و هفتاد، علاوه بر مقالات مربوط به ژانر حماسه، مقالاتی که با رویکرد روان‌کاوانه تحلیل شده بود، بررسی شد؛ فقط به این دلیل که پیشینه تاریخی درستی از این رویکرد به مخاطبان ارائه شود. اما در دهه‌های هشتاد و نود، به دلیل کثرت پژوهش‌ها، تمرکز بر مقالات در زمینه ژانر حماسه بود و سعی شد تمام مقالاتی که با رویکرد مذکور، متنی حماسی را کاویده‌اند، ارزیابی شوند. در این پژوهش، با استقصای مجلات علمی - پژوهشی معتبر، سعی بر این بود که تمام مقالات موجود بررسی شود، مگر اینکه به دلیل گستردگی کار، ناخواسته چیزی از قلم افتاده باشد.

به دلیل حجم زیاد مقالات و نیز به منظور دسته‌بندی و تحلیل آماری آن‌ها، مقاله‌ها براساس کهن‌الگوها، به پنج دسته تقسیم شد:

۱. مقالاتی که براساس تحلیل شخصیت‌های کهن‌الگویی (مانند قهرمان، پیر فرزانه، آنیما و آنیموس) نگاشته شده است؛
۲. مقالاتی که بر مبنای تحلیل عناصر طبیعی و کارکرد آن‌ها در کهن‌الگوها مانند باد، آب، خاک، آتش، کوه و سنگ نوشته شده است؛
۳. مقالاتی که برپایه کارکرد موجودات وهمی و خیالی مانند دیو، پری، اژدها و سیمرغ به تحریر درآمده است؛
۴. مقالاتی که براساس فرایند فردیت، سفر قهرمان و مفاهیم وجودی تألیف شده است؛

۵. مقالاتی که مفاهیم نظری یا رویکردهای کلی را طرح می‌کند.
- این دسته‌بندی‌ها در قالب جدول و نمودار، در هر بخش بررسی شده است.

۱-۳. مقالات از ابتدا تا دهه شصت

در سال‌های دهه ۱۳۲۰، تلاش محققان برای معرفی این رویکرد به جامعه علمی صرفاً از طریق متون ترجمه‌ای بود. از حدود دهه بیست، مقاله‌هایی در زمینه ادبیات و روان‌شناسی چاپ شد. اولین مقاله با این موضوع در سال ۱۳۲۳ از عبدالله فریار در نشریه سخن با عنوان «روان‌شناسی تحلیلی و ادبیات» منتشر شد. نویسنده این مقاله درصدد اثبات این مطلب است که از روی یک نوشتار می‌توان به مکنونات ذهنی نویسنده و اسرار ضمیر او پی برد:

در نوشته‌های یک نویسنده نه تنها اثری از زندگی گذشته خود او وجود دارد، بلکه به عقیده محققینی چون یونگ از گذشته بشر و طریقه زندگانی اجدادی و نژادی او

آثاری می‌توان یافت [...] فروید در تعبیر خواب بیمار عصبی مواد و محتویات خواب را می‌گرفت و از وقایع جاری روز و افکاری که بیمار داشت پرسش و تحقیق می‌کرد و پس از یک دوره تحلیل روحی، بیمار را با آگاه ساختن او به سرچشمه‌های بیماری شفا می‌بخشید (فریار، ۱۳۲۳: ۱۸۷-۱۸۵).

به این روش پسیکانالیز می‌گویند. نویسنده بر این باور است که هیچ‌کس قادر نیست شخصیت خود را پشت نوشته‌هایش مخفی نگه دارد؛ حتی نویسندگانی مانند مریمه و فلور که معتقد بودند هنر باید غیرشخصی باشد و سعی می‌کردند شخصیت خود را در نوشته‌هایشان دخالت ندهند، بازهم از طریق مراسلات شخصی در نوشته‌هایشان می‌توان به مکنونات ذهنی‌شان پی برد.

نکته قابل توجه در مقالات این دوره، نظرگاه‌های کلی آن‌ها درخصوص ارتباط روان‌شناسی و ادبیات است. اغلب مقالات این دوره درصدد اثبات ارتباط میان روان‌شناسی و ادبیات‌اند و غلبه ترجمه در آن‌ها مشهود است. شاخص‌ترین افرادی که در این دوره و در این حیطه تألیفاتی داشته‌اند، محمود صناعی، محمد صنعتی و جلال ستاری هستند که به شکل سلسله‌ای مقالاتی را چاپ کرده‌اند. مقاله براهنی اولین مقاله در تطبیق متنی از حیث کهن‌الگویی است. صناعی و صنعتی هم در مقالات خود به دنبال تطبیق متنی بوده‌اند. سلسله مقالات صناعی با عنوان «فردوسی، استاد تراژدی» که در سال ۱۳۴۸ در چند شماره مسلسل در نشریه یغما به چاپ رسید، در تحلیل کشمکش‌های روانی در شاهنامه و همانندی آن با تراژدی‌های بزرگ دنیا، اولین گام‌ها در این زمینه محسوب می‌شود. مقالات صنعتی به ویژه در دهه شصت که با رویکردی روان‌شناختی به تحلیل داستان‌ها و اشعار معاصر پرداخت، به نوعی در شناسایی و تثبیت

این دیدگاه بسیار مؤثر است و پایه‌گذار نقد روان‌شناختی به‌شمار می‌آید. در این دوره، غلبه با بحث‌های کلی است و رویکردهای خاص و جزئی کمتر بررسی شده است.

جدول ۱. مقالات از ابتدا تا دهه شصت

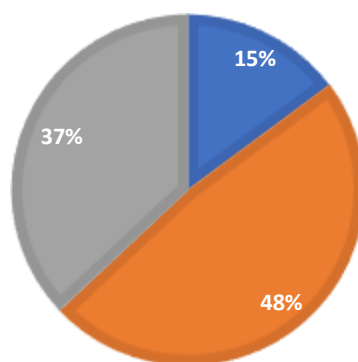
دسته‌بندی موضوعی کهن‌الگوها	کهن‌الگوها	مقالات از آغاز تا دهه شصت
کاراکتر و شخصیت	سایه (پرسونا)	
	قهرمان	
	آنیما	
	آنیموس	
	پیر خردمند	
عناصر طبیعی	گیاه و نباتات	
	جانوران	
	سنگ، جماد و کوه	
	باد، باران و آتش	
موجودات وهمی و خیالی	دیو	
	پری	
	اژدها	
	سیمرغ	
مفاهیم وجودی و فرایند فردیت	تولد	
	مرگ	- آرزوی کام‌نیافته (تحلیل روان‌شناختی سه قطره خون) - با مرگ در ستیز مرگ (بررسی روان‌شناختی ملکوت)

سفر (انتقال)	- برزخ رابطه (بررسی روان‌شناختی آثار چوبک)
ولادت دوباره	- داستان یک روح از دیدگاه یونگی
آزمون	
سایر موارد	- رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، آبان ۱۳۵۰ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، بهمن ۱۳۴۹ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، تیر ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، فروردین ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، دی ۱۳۵۰ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، شهریور و مهر ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، مرداد ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، فروردین ۱۳۵۲ - اهمیت بررسی اساطیر در روان‌شناسی تحلیلی - فردوسی: استاد تراژدی (۱)

- فردوسی: استاد تراژدی (۲) - فردوسی: استاد تراژدی (۳) - فردوسی: استاد تراژدی (۴)		
- مولوی، سورنالیسم، رمبو، فروید - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، دی ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، آذر ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، آبان ۱۳۵۱ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، مهر و آبان ۱۳۴۹ - رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی، بهمن و اسفند ۱۳۵۱ - نگاهی به چشم‌اندازهای اسطوره - الگوی یونگ (انسان فردیت‌یافته) - رئالیسم و روان‌شناسی فروید - روان‌شناسی تحلیلی و ادبیات	مبانی نظری	

نمودار تحلیلی مقالات دهه ۶۰

■ مبانی نظری ■ تحلیل‌های کلی ■ مفاهیم وجودی و فرایند فردیت



شکل ۱. نمودار تحلیلی مقالات از ابتدا تا دهه شصت

۲-۳. مقالات دهه هفتاد

در دهه هفتاد، ده مقاله با رویکرد نقد کهن‌الگویی یافت شد. در مقالات این دوره، مباحث کلی و رویکردهای نظری همچنان بر مقالات حاکم است و جز چند مقاله، سایر مقالات به معرفی دیدگاه‌های کلی این نقد پرداخته‌اند. برخی مقالات نیز ترجمه‌ای هستند. با این حال، بیشتر مقالات، همان‌گونه که پیش از این گفته شد، در ژانر حماسه نیستند و فقط جهت بیان سیر این رویکرد بررسی شده‌اند.

حضور پررنگ حورا یاوری در مقاله‌نویسی این دهه، وی را از نخستین افرادی قرار داده است که نقد اسطوره‌ای و کهن‌الگویی را با تطبیق بر متون کهن و روایی فارسی به‌درستی معرفی می‌کند. تحلیل‌های او از متون کهن هوشمندانه و کامل است، ساختار مستحکمی دارد و نمونه‌ای از تحلیل‌های منطبق و موفق در نقد روان‌کاوی به‌شمار

می‌آید. از چهار مقاله وی، یکی تاریخچه نقد روان‌شناسی است و سه مقاله دیگر تحلیل‌های روان‌شناختی بر متون کهن است.

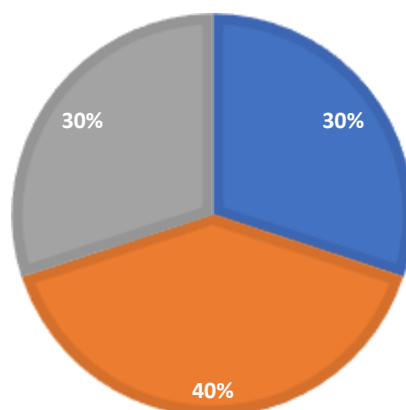
جدول ۲. مقالات دهه هفتاد

دسته‌بندی موضوعی کهن‌الگوها	کهن‌الگوها	مقالات دهه هفتاد
کاراکتر و شخصیت	سایه (پرسونا)	
	قهرمان	
	آنیما	
	آنیموس	
	پیر خردمند	
عناصر طبیعی	گیاه و نباتات	
	جانوران	
	سنگ، جماد، کوه	
	باد، باران و آتش	
موجودات وهمی و خیالی	دیو	
	پری	
	اژدها	
	سیمرغ	
مفاهیم وجودی و فرایند فردیت	تولد	
	مرگ	— آسمان بر زمین بازتاب نمادین آرکی‌تایپ تمامیت و کمال ماندالا در ساختار بیرونی و درونی هفت‌پیکر
	سفر (انتقال)	— دو متن دو انسان دو جهان (از بهرام گور تا راوی بوف کور)
	ولادت دوباره	— ظن و سرّ، نگاهی بر بوف کور هدایت از دو منظر روان‌شناختی

آزمون	سایر موارد
تحلیل‌های کلی	- بوف کور فروید و نقد ادبی (۱) - بوف کور فروید و نقد ادبی (۲) - چون دوست دشمن است - نگرشی تطبیقی بر اسطوره عشق در فرهنگ‌های کهن با تکیه بر اندیشه‌های حافظ
مبانی نظری	- اسطوره، هنر و ادبیات - درآمدی بر نقد کهن‌الگویی - تأملی در نقد روان‌شناختی و رابطه روان‌کاوی و ادبیات در ایران

نمودار تحلیلی مقالات دهه ۷۰

■ مبانی نظری ■ تحلیل‌های کلی ■ مفاهیم وجودی و فرایند فردیت



شکل ۲. نمودار تحلیلی مقالات دهه هفتاد

۳-۳. مقالات دهه هشتاد

از دهه هشتاد، با گسترش مجلات دانشگاهی و علمی - پژوهشی، مقاله‌نویسی رشدی چشمگیر یافت. در این دهه و دهه بعد، شاهد روند رو به رشد مقالات هستیم. در این دهه، ۳۵ مقاله فقط با رویکرد اسطوره‌ای و کهن‌الگویی در ژانر حماسه به‌رشته تحریر درآمده است. مقالات این دهه در ۲۱ مجله پژوهشی و معتبر ادبیات یافت شد که در آن‌ها استخراج موضوع، خلاصه مقالات و چگونگی کاربرد نظریه و انطباق آن با متن به تفصیل بیان شده است. عناوین مجلاتی که در این دهه مقالات مورد بررسی از آن‌ها استخراج شد، عبارت است از: *پژوهش‌نامه ادب حماسی، ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، نقد ادبی، پژوهش‌های ادب عرفانی، جستارهای ادبی، متن‌پژوهی ادبی، مطالعات ایرانی، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، پژوهش‌های ادبی، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، کهن‌نامه ادب پارسی، متن‌شناسی ادب فارسی، فنون ادبی، پاژ، ادبیات داستانی، ادب‌پژوهی، مطالعات ادبیات تطبیقی، مطالعات داستانی، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، زبان و ادبیات فارسی*.

از میان این نشریات، مجله *جستارهای ادبی* با نه مقاله بیشترین مقالات را در این زمینه به خود اختصاص داده و فرزاد قائمی با نگارش پنج مقاله در نشریات این دهه، بیشترین پژوهش‌ها را در این زمینه رقم زده است. اغلب مقالات در این دوره به بحث‌های جزئی و انطباق نظریه بر متن پرداخته‌اند و دیگر، رویکردهای کلان و کلی مورد نظر نویسندگان نیست. بیشترین بسامد در رویکردهای تحلیلی مربوط به عناصر طبیعی است؛ البته نویسندگان همچنان به تحلیل‌های کلی نیز توجه می‌کنند.

جدول ۳. مقالات دهه هشتاد

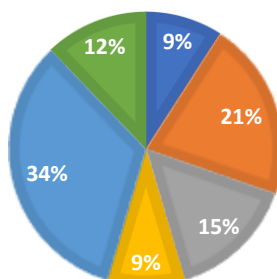
دسته‌بندی موضوعی کهن‌الگوها	کهن‌الگوها	مقالات دهه هشتاد
کاراکتر و شخصیت	سایه (پرسونا)	
	قهرمان	
	آنیما	— رمزگشایی قصه سلمان و افسال حنین بن اسحاق با توجه به کهن‌الگوهای یونگ — تحلیل روان‌کاوانه شخصیت سودابه و رودابه (یگانه‌های دوسویه شاهنامه)
	آنیموس	— تحلیل روان‌کاوانه شخصیت گردآفرید
	پیر خردمند	
	گیاه و نباتات	— بن‌مایه اساطیری «رویدن گیاه از انسان» و بازتاب آن در شاهنامه و ادب پارسی
عناصر طبیعی	جانوران	— اسب؛ پرتکرارترین نمادینه جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن‌الگوی قهرمان
	سنگ، جماد، کوه	— ارزش‌های رمزی و نمادین البرز کوه در جغرافیای اساطیری شاهنامه
	باد، باران و آتش	— وارثان آب و روشنایی و کهن‌الگوی سترگ آسمان — تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر برمبنای نظریه هم‌ترازی و رویکرد نقد اسطوره‌ای با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی — نمودگاری اسطوره خورشید در متون نظم پارسی — تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نمودهای آن در شاهنامه فردوسی براساس روش نقد اسطوره‌ای

دیو	- آب و افراسیاب - بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان سام‌نامه - اسطوره دیوهای نخستین در شاهنامه	موجودات وهمی و خیالی
پری	- سیاوش، شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه	
اژدها	- تفسیر انسان‌شناختی اسطوره اژدها و بن‌مایه تکرارشونده اژدهاکشی در اساطیر	
سیمرغ		
تولد		مفاهیم وجودی و فرایند فردیت
مرگ	- نقد روان‌شناختی شخصیت ضحاک در شاهنامه	
سفر (انتقال)	- تحلیل داستان سیاوش برپایه نظریات یونگ - فرایند فردیت در شاهنامه با تکیه بر شخصیت رستم	
ولادت دوباره		
آزمون		
تحلیل‌های کلی	- بررسی برخی از کهن‌الگوها در اشعار احمد شاملو - دوره گشتاسپی در حماسه، گذار خودکامگی از اسطوره به تاریخ - حماسه‌های رستم و خاندانش - جایگاه سیاوش در اساطیر - بازتاب اسطوره کاوه در داستان کوتاه رجل سیاسی جمالزاده - شاهان خیره‌سر شاهنامه؛ نموداری از مشروط بودن نیروی فره در فرهنگ اساطیری ایران باستان - شخصیت‌شناسی شغاد در شاهنامه - بررسی تطبیقی اسطوره ایرج و قصه یوسف(ع) - کردارشناسی گرشاسپ در گذار از اسطوره به حماسه و تاریخ	سایر موارد

- تحول شخصیت گرشاسب در اسطوره و حماسه - اسطوره‌های پیکرگردانی		
- پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره‌ای و زمینه و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی - درآمدی انتقادی بر نقد اسطوره‌شناختی - بررسی تطبیقی بازآفرینی اسطوره‌ها در شعر معاصر - نکته‌هایی از روایات پایان کار ضحاک	مبانی نظری	

نمودار تحلیلی مقالات دهه ۸۰

- کاراکتر و شخصیت
- عناصر طبیعی
- موجودان وهمی و خیالی
- مفاهیم وجودی و فرایند فردیت
- تحلیل‌های کلی
- مبانی نظری



شکل ۳. نمودار تحلیلی مقالات دهه هشتاد

۴-۳. مقالات دهه نود

در دهه نود، مقالات حجم فزون‌تری دارد. در این دهه، ۴۵ مقاله با رویکرد تحلیل کهن‌الگویی در ژانر حماسه یافت شد. برخی نشریات پژوهشی جدید به نشریات دهه

هشتاد اضافه شده که عبارت است از: شعرپژوهی، تاریخ ادبیات، بوستان ادب، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، زیبایی‌شناسی ادبی، پژوهش‌نامه ادب غنایی، فرهنگ و ادبیات عامه، پژوهش‌نامه ادب حماسی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، نقد ادبی، پژوهش‌های ادب عرفانی، جستارهای ادبی، متن‌پژوهی ادبی، مطالعات ایرانی، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، پژوهش‌های ادبی، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، کهن‌نامه ادب پارسی، متن‌شناسی ادب فارسی، فنون ادبی، پاژ، ادبیات داستانی، ادب‌پژوهی، مطالعات ادبیات تطبیقی، مطالعات داستانی، زبان و ادبیات فارسی.

در این دوره پراکندگی مقالات در نشریات زیاد است. بیشترین حجم مقالات مربوط به نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی است که هفت مقاله با این موضوع منتشر کرده است؛ پس از آن نشریه شعرپژوهی با پنج مقاله و پژوهش زبان و ادب پارسی با سه مقاله، بیشترین حجم مقالات را منتشر کرده است. تنوع نویسندگان در این دوره بیشتر است و از یک نویسنده خاص نمی‌توان نام برد که مقالاتش بسامد بیشتری داشته باشد. رویکرد کلی مقالات این دوره، مباحث مربوط به شخصیت‌پردازی، روند تکامل قهرمان و دیدگاه‌های فرایندی است که در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. مقالات دهه نود

دسته‌بندی موضوعی	کهن‌الگوها	مقالات دهه نود
کهن‌الگوها	سایه (پرسونا)	- گرشاسب: شبه‌قهرمان حماسه اسدی - تحلیل روان‌شناختی نمادها و کهن‌الگوها در داستان کرم هفتواد شاهنامه فردوسی - بررسی کهن‌الگوی سایه در شاهنامه - فرایند فردیت در داستان رستم و سهراب
کاراکتر و شخصیت		

برپایه شخصیت سهراب		
– بررسی و نقد کهن‌الگویی انه اید ویرژیل		
– تبیین کهن‌الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمبل در هفت‌خوان رستم	قهرمان	
– کهن‌الگوی قهرمان در منظومه آرش کمانگیر سیاوش کسرایی		
– مطالعه تطبیقی کهن‌الگوی «سفر» و «بازگشت» قهرمان در شاهنامه و ادیسه		
– بررسی نمودهای منفی آنیما در ادبیات و اسطوره‌ها	آنیما	
– نقد اسطوره‌شناختی ژرفا بر بنیاد کهن‌نمونه مادینه روان		
	آنیموس	
– بررسی کهن‌الگوی پیر خرد در شاهنامه	پیر خردمند	
– لزوم نقش کهن‌الگوی پیر خردمند در تعلیم بشر		
– بررسی کهن‌الگوی پیر فرزانه در داستان زال		
	گیاه و نباتات	عناصر طبیعی
	جانوران	
	سنگ، جماد، کوه	
	باد، باران و آتش	
	دیو	موجودات وهمی و خیالی
	پری	
	اژدها	
	سیمرغ	

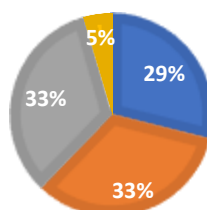
- تحلیل روان‌شناختی دعوت و طلب و نقش آن در آشناسازی و تشریف قهرمان - نقد کهن‌الگویی منظومه بانوگشسب‌نامه	تولد	مفاهیم وجودی و فرایند فردیت
	مرگ	
- بررسی و تحلیل داستان دژ هوش‌ربا براساس نظریات یونگ - رستم و جست‌وجوی فردیت در جهانگیرنامه - نقد و بررسی روند تکامل شخصیت قهرمان در هفت‌خان رستم و اسفندیار براساس نظریه یونگ - تحلیل اسطوره کودک رهاشده در شاهنامه از دیدگاه روان‌شناسی یونگ - تحلیل فرایند فردیت از نظرگاه یونگ در «اسکندرنامه»ی نظامی - خورشیدجویی اسکندر در اسکندرنامه نقالی	سفر (انتقال)	
- نقد کهن‌الگویی داستان «دژ هوش‌ربا» - تحلیل اسطوره‌های کیخسرو، گرشاسب و جمشید براساس آرای یونگ - تحلیل کهن‌الگویی شخصیت «کوش پیل‌دندان» با رویکرد به کهن‌الگوهای «پیر خردمند» و «ولادت دوباره» - تحلیل شخصیت رستم در هفت‌خان براساس دیدگاه‌های یونگ و فروید	ولادت دوباره	

- تحلیل کهن‌الگویی داستان امیرارسلان براساس نظریهٔ تفرد یونگ		
- بررسی کهن‌الگوی آزمون در شاهنامه و هفت‌پیکر نظامی - تحلیل تصاویر داستان سیاوش براساس نظریات نورتروپ فرای	آزمون	
- بررسی روان‌شناختی داستان سیاوش - سام/سهراب، زال/رستم: نبرد پدر و پسر - بازشناسی کهن‌الگوها و عناصر نمادین در داستان بیژن و منیژه - بررسی و مقایسهٔ چهار دورهٔ قهرمانی شاهنامه براساس نقد کهن‌الگویی - روان‌کاوی نمادها در داستان ضحاک - تحلیل کهن‌الگویی داستان زال و رودابه - سیاوش و سودابه (بررسی تطبیقی موارد مشابه در اساطیر و ادبیات ملل) - نقد کهن‌الگویی ریشه‌های دوگانه‌انگاری اسطوره‌ای در شاهنامهٔ فردوسی - شاهنامه زبان ضمیر ناخودآگاه قوم ایرانی؛ (بررسی چند مفهوم استعلایی در شاهنامه، با رویکرد ضمیر ناخودآگاه یونگ) - تحلیل روان‌شناسی اسطورهٔ قهرمان و روین‌تنی در داستان رستم و اسفندیار براساس نظریه‌های آدلر و رادن - تحلیل انسان‌شناختی اسطورهٔ فرّ و کارکردهای	تحلیل‌های کلی	سایر موارد

آن در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران - کارکرد ماورایی اسطوره در بخش اساطیری شاهنامه - تحلیل اسطوره کیومرث براساس نظریه روان‌شناسی شخصیت یونگ - بررسی و تحلیل دو تراژدی سهراب و فرود برپایه نظریه «میتوس تراژدی» فرای - تحلیل میتوس‌های روایی لشکرکشی کیکاوس به مازندران در شاهنامه		
- روش‌شناسی و مبانی کاربردی برخورد منتقد با متن در رویکرد نقد کهن‌الگویی / یونگی و پسایونگی - روان‌شناسی اسطوره و داستان؛ رویکردی نوین در نقد ادبی	مبانی نظری	

نمودار تحلیلی مقالات دهه ۹۰

مفاهیم وجودی و فرایند فردیت
 کاراکتر و شخصیت
 مبانی نظری
 تحلیل‌های کلی



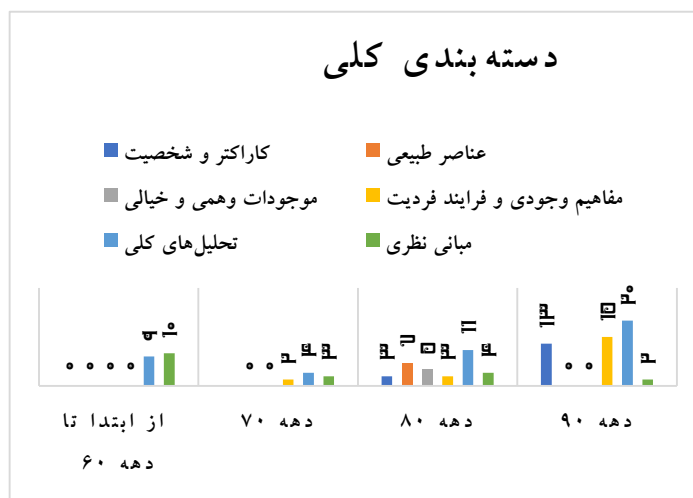
شکل ۴. نمودار تحلیلی مقالات دهه نود

۴. نتیجه

در این پژوهش، سیر مطالعات مربوط به نقد کهن‌الگویی در ژانر حماسه، از ابتدا تا امروز، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. چنان‌که ملاحظه شد، از ابتدای قرن و با رویکردهای علمی تازه، مطالعات شاهنامه‌پژوهی در ایران و به‌دست مستشرقان مورد توجه قرار گرفت. گرایش به ناسیونالیسم و پی‌ریزی مفاهیم جدید از دولت‌ملت و ارج و اهمیت یافتن شاهنامه به‌عنوان سندی ملی، سبب شد مطالعات حماسی به‌شکلی گسترده رواج یابد. این مطالعات تا پیش از دههٔ سی، بیشتر معطوف به تحلیل‌های متنی، مطالعات واژگانی و زبان‌شناختی و معرفی‌های تاریخی و جامعه‌شناختی دربارهٔ شاهنامه بوده است. از حدود دههٔ سی و چهل، مطالعات روان‌شناسی و اسطوره‌شناسی در مطالعات ادبی مطرح شد. نگارندگان شاخص این رویکرد براهنی، صناعی، صنعتی و ستاری هستند. در دههٔ شصت و هفتاد، حورا یاوری، جلال ستاری، ابوالقاسم اسماعیل‌پور، سیروس شمیسا، محمد مختاری و شاهرخ مسکوب رویکردهای نقد کهن‌الگویی را وارد ادبیات حماسی کردند؛ البته مختاری و مسکوب صاحب تألیف‌های مختلفی در قالب کتاب هستند و در مجموعهٔ مقالات مورد بررسی، اثری از آن‌ها یافت نشد. در سال ۱۳۷۰، حورا یاوری اولین بار یک متن مشخص (هفت‌پیکر) را با رویکرد روان‌کاوانه سنجید. در همین دهه، نقد کهن‌الگویی نیز مورد توجه محققان قرار گرفت. در انتهای دههٔ هفتاد، با مقاله‌ای از ابوالقاسم اسماعیل‌پور، مطلق رابطهٔ اسطوره، ادبیات و هنر بررسی شد. در آغاز دههٔ هشتاد، اسطوره‌های پیکرگردانی با مقاله‌ای از منصور رستگار فسایی معرفی شد. در این دهه، بررسی شخصیت‌های اساطیری با رویکرد کهن‌الگویی چشمگیر است. دههٔ هشتاد نقطهٔ آغاز بررسی‌ها براساس تیپ‌های شخصیتی و تأثیر و تأثر آن‌ها در بستر اسطوره و کهن‌الگوست که سیر رشد شخصیت‌ها و اموری را که منجر به تکامل آن‌ها می‌شود، ارزیابی و تحلیل می‌کند. بیشتر نویسندگان مقالات این دوره به مسئله‌ای علمی پاسخ می‌دهند و سعی می‌کنند

لایه‌های پنهان متن را کشف نمایند. گرچه ممکن است گاه کلی‌گویی در متن مقالات این دوره وجود داشته باشد یا مطالب از نگاه ما پیش‌پافتاده جلوه کند، اغلب این نویسندگان، به‌ویژه نویسندگان شناخته‌شده، راهی تازه در مطالعات روان‌شناختی و نقد کهن‌الگویی می‌گشایند. از مشخصات بارز مقالات این دوره، به‌ویژه مقالات دهه هشتاد، حضور تحلیل و کشف معناست. نویسندگان بیشتر به تحلیل‌های محتوایی می‌پردازند و با رویکردی تطبیقی، به کشف و بازیابی اسطوره‌ها یا عناصر شخصیت و تحلیل آن دست می‌یازند. هرچه به سال‌های اخیر، به‌خصوص دهه نود، نزدیک می‌شویم، توجه به جزئیات بیشتر می‌شود و از سطح کیفی مقالات کاسته می‌گردد؛ البته این سخن بدین معنا نیست که مقاله‌ای قابل توجه در دهه نود وجود ندارد، بلکه به‌رغم رشد رویکرد روان‌کاوانه و آشنایی بیشتر پژوهشگران متون ادبی با آن، بررسی‌ها غالباً سطحی و نتایج برساخته تحلیل‌هایی است که گویا متن را در قالب الگویی ازپیش‌تعیین‌شده قرار داده و برش زده‌اند. نکته مسلم و مشهود این است که در دهه‌های هشتاد و نود، سبک مقاله‌نویسی تغییر می‌یابد. مجلات علمی - پژوهشی، با شیوه‌نامه‌های ازپیش‌تعیین‌شده، بستری آکادمیک برای نگارش مقالات ایجاد می‌کنند. این رویکرد به ساختارمندی مقالات می‌انجامد؛ اما لزوماً بهبود کیفیت را به‌همراه ندارد. در این دو دهه، حجم انبوهی از متون دانشگاهی تولید می‌شود. ساختار اصلی این مقالات جزئی‌نگری، انتخاب دو یا چند مؤلفه در متن و تلاش برای تطبیق نظریه بر متن است. این رویکرد که در غالب مقالات به‌چشم می‌خورد، گرچه مزایایی داشته، آسیب‌های فراوانی را نیز موجب شده است. مزایای این رویکرد ساختارمند شدن مقالات، اعمال دآوری و ارزیابی و غلبه رویکردهای تخصصی‌تر، جزئی‌نگر و معطوف به متن است؛ اما آسیب‌های آن تقلیل نظریه، تقلیل متن، عدم انطباق نظریه بر متن و تکراری شدن مباحث است. در این دوره، بسیار شاهد پراکنده‌گویی و تکرار در مقالات هستیم؛ برای مثال فرایند فردیت سویه‌ای تکراری در بررسی‌های این دهه است که در آن، سیر

زندگی یک شخصیت اساطیری مطالعه شده است. سیر تکامل شخصیت (فرایند فردیت) گاه بسیار ساده بیان می‌شود، گویی سیری قهری و طبیعی است، و مسیر دستیابی قهرمان به این امر به‌خوبی تبیین نشده است. نداشتن درک صحیح از متن و شتاب‌زدگی در کاربرد تحلیل و گاه اصرار در انطباق تحلیل بر متن از دیگر آسیب‌های مقالات این دوره است. در دهه هشتاد، نویسندگان بیشتر معطوف به ویژگی‌های صوری و عناصر طبیعی در اسطوره‌ها هستند؛ اما در دهه نود، شخصیت‌پردازی معطوف به تطبیق با تعاریف پیچیده‌تری از نقد کهن‌الگویی مثل سایه، پرسونا و روند تکامل قهرمان مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است و دیدگاه فرایندی محوریت دارد. در مقالات این دوره، الگوهای سفر، ولادت دوباره و سیروس‌سلوک اهمیت می‌یابد؛ در عین حال، شاهد تحلیل‌های کلی و تطبیقی هم هستیم.



شکل ۵. دسته‌بندی کلی مقالات در یک نمودار

پی‌نوشت‌ها

۱. برای بحث بیشتر در این زمینه رک. امن‌خانی و علی‌مددی (۱۳۹۰)، «فردوسی و گفتمان مدرن ایرانی»، *جستارهای ادبی*، ش ۱۸۵.

۲. علاوه بر این کتاب‌ها، عنوان مقالات گردآمده در کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه از آغاز نوشته‌های پژوهشی تا سال ۱۳۸۵ اثر ایرج افشار نیز درخور ذکر است که برای پرهیز از اطاله کلام، در این بخش ذکر نشد.

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۴). «بن‌مایه اساطیری رویدن گیاه از انسان و بازتاب آن در شاهنامه و ادب پارسی». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۵۰. صص ۱۰۵-۱۳۲.
- _____ (۱۳۸۸). «نکته‌هایی از روایات پایان کار ضحاک». *مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۸. صص ۴۸-۹.
- اتونی، بهروز (۱۳۹۰). «نقد اسطوره‌شناختی ژرفا، بر بنیاد کهن‌نمونه مادینه روان». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۲۵. صص ۵۶-۱۱.
- اسماعیل‌پور مطلق، ابوالقاسم (۱۳۷۹). «اسطوره، هنر و ادبیات». *مجله شعر بهار*. ش ۲۸. صص ۱۵-۶.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰). کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه از آغاز نوشته‌های پژوهشی تا سال ۱۳۸۵. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- اقبال، ابراهیم، حسین قمری گیوی و سکینه مرادی (۱۳۸۶). «تحلیل داستان سیاوش برپایه نظریات یونگ». *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۸. صص ۸۶-۶۹.
- اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۶). «اسطوره دیوهای نخستین در شاهنامه». *مجله مطالعات ایرانی*. ش ۱۲. صص ۳۴-۲۱.
- امامی، نصراله و آذرمدخت رکنی (۱۳۹۱). «تحلیل اسطوره‌های کیخسرو، گرشاسب و جمشید براساس آرای یونگ». *مجله ادب فارسی*. ش ۹. صص ۸۱-۸.
- ایرانی، محمد و سمیه بیگلری (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل دو تراژدی سهراب و فرود برپایه نظریه میتوس تراژدی فرای». *مجله ادب‌پژوهی*. ش ۲۶. صص ۱۴۶-۱۱۹.

- بارانی، محمد و فاطمه تیموری فتحی (۱۳۹۴). «لزوم نقش کهن‌الگوی پیرخرمدند در تعلیم بشر». *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*. ش ۲۷. صص ۵۹-۹۲.
- بازرگان، محمدنوید (۱۳۸۸). «آب و افراسیاب». *مجله پژوهش‌نامه ادب حماسی*. ش ۸. صص ۳۷-۵۹.
- براهنی، رضا (۱۳۴۴). «مولوی، رئالسم، رمبو، فروید». *نشریه زبان و ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. ش ۷۴. صص ۲۲۱-۲۴۰.
- بهادری، بهروز (۱۳۷۳). «چون دوست دشمن است». *مجله ادبیات داستانی*. ش ۲۲. صص ۴۲-۴۳.
- بهرامی رهنما، خدیجه (۱۳۹۱). «بررسی و نقد کهن‌الگویی انه اید و پرژیل». *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۲۷. صص ۱-۲۴.
- بهرامی رهنما، خدیجه و محمود طاووسی (۱۳۹۴). «نقد کهن‌الگویی منظومه بانوگشسب‌نامه». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۴۰. صص ۱۳۵-۱۶۴.
- پشتدار، علی‌محمد و یحیی نورالدینی اقدم (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی اسطوره ایرج و قصه یوسف (ع)». *مجله مطالعات داستانی*. س ۱. ش ۲. صص ۳۰-۵۹.
- پورخالقی چترودی، مهدخت و فرزاد قائمی (۱۳۸۹). «تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر برمبنای نظریه هم‌ترازی و رویکرد نقد اسطوره‌ای با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۷۰. صص ۹۵-۱۱۸.
- پورعلی، منیژه، محمد طاهری و حمید آقاجانی (۱۳۹۷). «کارکرد ماورایی اسطوره در بخش اساطیری شاهنامه». *مجله کهن‌نامه ادب پارسی*. س ۹. ش ۲. صص ۱۴۱-۱۶۳.
- پیرانی، منصور (۱۳۹۵). «شاهنامه زبان ضمیر ناخودآگاه قوم ایرانی (بررسی چند مفهوم استعلائی در شاهنامه، با رویکرد ضمیر ناخودآگاه یونگ)». *مجله تاریخ ادبیات*. ش ۷۸. صص ۱۹-۵۰.

تسلیمی، علی و سیدمجتبی میرمیران (۱۳۸۹). «فرایند فردیت در شاهنامه با تکیه بر شخصیت رستم». *مجله ادب پژوهی* ش ۱۴. صص ۴۸-۲۹.

جعفری، طیب و زینب چوقادی (۱۳۹۲). «بازشناسی کهن‌الگوها و عناصر نمادین در داستان بیژن و منیژه». *مجله فنون ادبی*. ش ۸. صص ۱۶۸-۱۵۵.

جقتایی، صادق و محمد انصاری پویا (۱۳۹۴). «تحلیل کهن‌الگویی داستان زال و رودابه». *مجله پژوهش‌نامه ادب غنایی*. س ۱۳. ش ۲۴. صص ۷۶-۵۹.

حاج‌نوروزی، ندا (۱۳۹۲). «تحلیل تصاویر داستان سیاوش براساس نظریات نورترپ فرای». *مجله تاریخ ادبیات*. ش ۷۲. صص ۸۶-۷۱.

حسینی، مریم و سولماز دهقانی (۱۳۹۴). «تحلیل فرایند فردیت از نظرگاه یونگ در اسکندرنامه نظامی». *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۸. صص ۹۸-۷۷.

حسینی، مریم و نسرین شکیبی ممتاز (۱۳۹۲). «تحلیل روان‌شناختی دعوت و طلب و نقش آن در آشناسازی و تشرف قهرمان». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. ش ۷۶. صص ۵۰-۲۷.

_____ (۱۳۹۴). «روان‌شناسی اسطوره و داستان، رویکردی نوین در نقد ادبی». *مجله متن‌پژوهی ادبی*. ش ۶۴. صص ۳۰-۷.

خجسته، فرامرز و فاطمه (شیوا) صیادی (۱۳۹۰). «بررسی کهن‌الگوی آزمون در شاهنامه و هفت‌پیکر نظامی». *مجله تاریخ ادبیات*. ش ۶۸. صص ۱۱۰-۹۳.

خسروی، اشرف، محمود براتی و سیده‌مریم روضاتیان (۱۳۹۲). «بررسی کهن‌الگوی سایه در شاهنامه». *مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. ش ۲۷. صص ۱۰۲-۷۵.

خسروی، اشرف و اسحاق طغیانی (۱۳۸۹). «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت سودابه و رودابه (یگانه‌های دوسویه شاهنامه)». *مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. ش ۲۱. صص ۳۸-۹.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*. قم: مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.

- خوشحال دستجردی، طاهره و محمد چهارمحالی (۱۳۸۹). «بازتاب اسطوره کاوه در داستان کوتاه رجل سیاسی جمالزاده». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۷۰. صص ۱۱۹-۱۴۶.
- داویدیان، هاراطون (۱۳۴۳). «اهمیت بررسی اساطیر در روان‌شناسی تحلیلی». مترجم امیر فریدون گرگانی. *زبان و ادبیات*. سخن، (اسفند).
- رجبیان، ساناز و مهدی نیک‌منش (۱۳۹۳). «گرساسب: شبه‌قهرمان حماسه اسدی». *مجله شعرپژوهی*. ش ۲۱. صص ۹۳-۱۱۶.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۸۰). «اسطوره‌های پیکرگردانی». *مجله مطالعات ایرانی*. ش ۱. صص ۱۳۹-۱۷۶.
- روضاتیان، سیده‌مریم (۱۳۸۸). «رمزگشایی قصه سلمان و ابسال حنین بن اسحاق با توجه به کهن‌الگوهای یونگ». *مجله فنون ادبی*. ش ۱. صص ۹۷-۱۰۶.
- ستاری، جلال (۱۳۴۹). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». *هنر و معماری، هنر و مردم*. ش ۱۰۰. صص ۳۸-۴۱.
- _____ (۱۳۴۹). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». *هنر و معماری، هنر و مردم*. ش ۹۶-۹۷. صص ۴۹-۵۵.
- _____ (۱۳۵۰). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی (نمادهای مادر و رستاخیز)». *هنر، هنر و مردم*. ش ۱۰۹. صص ۳۲-۳۵.
- _____ (۱۳۵۰). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». *هنر و معماری، هنر و مردم*. ش ۱۱۱. صص ۳۰-۳۳.
- _____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». *هنر و معماری، هنر و مردم*. ش ۱۱۴. صص ۷۴-۷۵.
- _____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». *هنر و معماری، هنر و مردم*. ش ۱۷۷. صص ۳۷-۳۸.

_____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و معماری، هنر و مردم. ش ۱۱۸. صص ۲۲-۲۳.

_____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و معماری، هنر و مردم. ش ۱۱۹-۱۲۰. صص ۲۸-۲۹.

_____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و معماری، هنر و مردم. ش ۱۲۱. صص ۷۳-۷۴.

_____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و معماری، هنر و مردم. ش ۱۲۲. صص ۴۷-۴۸.

_____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و معماری، هنر و مردم. ش ۱۲۳. صص ۵۹-۶۰.

_____ (۱۳۵۱). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و مردم. ش ۱۲۴-۱۲۵. صص ۶۳-۶۴.

_____ (۱۳۵۲). «رموز قصه از دیدگاه روان‌شناسی». هنر و معماری، هنر و مردم. ش ۱۲۶. صص ۱۰۰-۱۰۳.

_____ (۱۳۶۲). «نگاهی به چشم‌اندازهای اسطوره». مجموعه زبان و ادبیات، آینده. ش ۵. صص ۳۳۰-۳۳۵.

ستاری، رضا، علی‌اکبر باقری خلیلی و سوگل خسروی (۱۳۹۶). «رستم و جست‌وجوی فردیت در جهانگیرنامه». مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش ۴۴. صص ۵۵-۸۰.

ستاری، رضا و مرضیه حقیقی (۱۳۹۳). «نقد کهن‌الگویی ریشه‌های دوگانه‌انگاری اسطوره‌ای در شاهنامه فردوسی». مجله متن‌شناسی ادب فارسی. ش ۲۱. صص ۱۱۱-۱۳۰.

سمیعی گیلانی، احمد و ابوالفضل خطیبی (۱۳۹۰). به فرهنگ باشد روان تندرست. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

شاه‌بدیع‌زاده، مهدخت و رضا اشرف‌زاده (۱۳۹۷). «تحلیل کهن‌الگویی شخصیت "کوش پیل‌دندان" با رویکرد به کهن‌الگوهای پیر خردمند و ولادت دوباره». *مجله پژوهش‌نامه ادب حماسی*. ش ۲۶. صص ۱۵۵-۱۷۳.

شکیبی ممتاز، نسرين (۱۳۸۹). «جایگاه سیاوش در اساطیر». *مجله متن‌شناسی ادب فارسی*. ش ۵. صص ۱۰۱-۱۱۶.

شمیسا، سیروس (۱۳۶۸). «داستان یک روح از دیدگاه یونگی». *مجله کیهان فرهنگی*. س ۶. ش ۶۵. صص ۳۸-۴۳.

شولتز، دوان (۱۳۵۹). «الگوی یونگ (انسان فردیت‌یافته)». مترجم گیتی خوشدل. *علوم انسانی، آرش*. صص ۷۲-۹۲.

شیردل، زهرا، و ابوالقاسم رحیمی (۱۳۹۶). «تحلیل اسطوره کودک رهاشده در شاهنامه از دیدگاه روان‌شناسی یونگ». *مجله زبان و ادب فارسی*. ش ۲۳۶. صص ۱۴۱-۱۶۶.

صدیقی، مصطفی (۱۳۹۱). «سام/ سهراب، زال/ رستم: نبرد پدر و پسر». *نشریه بوستان ادب دانشگاه شیراز*. س ۴. ش ۱۱. صص ۱۲۳-۱۴۸.

صفاری، نسترن، مظاهر مصفا و ژاله آموزگار (۱۳۸۹). «حماسه‌های رستم و خاندانش». *مجله کهن‌نامه ادب پارسی*. س ۱. ش ۱. صص ۵۹-۷۲.

صفری، جهانگیر و حمیده محمودنژاد (۱۳۸۵). «بررسی برخی از کهن‌الگوها در اشعار احمد شاملو». *مجله پژوهش‌های ادبی*. ش ۱۱. صص ۱۱۳-۱۴۴.

صلاحی، عسگر و جعفر عشقی (۱۳۹۴). «بررسی نمودهای منفی آنیما در ادبیات و اسطوره‌ها». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۴۰. صص ۲۶۳-۲۹۰.

صناعی، محمود (۱۳۴۸). «فردوسی: استاد تراژدی». *نشریه یغما*. س ۲۲. ش ۲۵۴. صص ۴۲۵-۴۳۲.

_____ (۱۳۴۸). «فردوسی: استاد تراژدی». *نشریه یغما*. س ۲۲. ش ۲۵۰. صص ۱۷۹-۱۸۶.

_____ (۱۳۴۸). «فردوسی: استاد تراژدی». نشریه یغما. س ۲۲. ش ۲۴۹. صص ۱۱۹-۱۲۶.

_____ (۱۳۴۸). «فردوسی: استاد تراژدی». نشریه یغما. س ۲۲. ش ۲۵۲. صص ۲۹۹-۳۰۳.

صنعتی، محمد (۱۳۶۶). «آرزوی کام‌نیافته (تحلیل روان‌شناختی سه قطره خون)». نشریه مفید. ش ۵. ص ۱۸.

_____ (۱۳۶۶). «با مرگ به ستیز مرگ (بررسی روان‌شناختی ملکوت)». نشریه مفید. ش ۷. ص ۳۵.

_____ (۱۳۶۶). «برزخ رابطه (بررسی روان‌شناختی آثار چوبک)». نشریه مفید. ش ۶. ص ۲۳.

_____ (۱۳۸۰). تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات. تهران: نشر مرکز.
ضمیران، محمد و فریده سیحون (۱۳۷۲). «نگرشی تطبیقی بر اسطوره عشق در فرهنگ‌های کهن با تکیه بر اندیشه‌های حافظ». مجله ایران‌شناسی ش ۲۰. صص ۷۴۵-۷۵۷.
طاهری، محمد و حمید آقاجانی (۱۳۹۲). «تبیین کهن‌الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمبل در هفت‌خوان رستم». مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ش ۳۲. صص ۱۰۳-۱۲۲.

طاهری، محمد، حمید آقاجانی و فریبا رضایی (۱۳۹۳). «بررسی کهن‌الگوی پیر فرزانه در داستان زال». مجله ادب‌پژوهی. ش ۲۸. صص ۱۵۵-۱۷۹.

طیسی، حمید و دیگران (۱۳۸۹). «کردارشناسی گرشاسپ در گذار از اسطوره به حماسه و تاریخ». مجله جستارهای ادبی. ش ۱۷۱. صص ۴۳-۶۶.

طغیانی، اسحق، زینب چوقادی و طیه جعفری (۱۳۹۰). «تحلیل روان‌شناختی نمادها و کهن‌الگوها در داستان کرم هفتواد شاهنامه فردوسی». مجله زبان و ادبیات فارسی. ش ۷۱. صص ۸۷-۱۱۲.

- عدنانی، سیدمسعود (۱۳۸۸). «دوره گشتاسپی در حماسه گذار خودکامگی از اسطوره به تاریخ». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۶۷. صص ۱۷۷-۱۹۰.
- علامی، ذوالفقار و سیما رحیمی (۱۳۹۴). «فرایند فردیت در داستان رستم و سهراب برپایه شخصیت سهراب». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. ش ۷۸. صص ۱۱۵-۱۴۴.
- علایی، مشیت (۱۳۸۰). «درآمدی انتقادی بر نقد اسطوره‌شناختی». *مجله ادبیات داستانی*. ش ۵۸. صص ۱۳-۸.
- علوی‌مقدم، مهیار و مریم ساسانی (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی بازآفرینی اسطوره‌ها در شعر معاصر». *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی*. ش ۳. صص ۱۴۵-۱۶۴.
- فاضلی، فیروز و ابراهیم کنعانی (۱۳۸۹). «سیاوش، شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه». *مجله پژوهش‌های ادب عرفانی*. ش ۱۳. صص ۹۳-۱۰۸.
- فرضی، حمید و حاجیه بهزادی (۱۳۹۶). «تحلیل کهن‌الگویی داستان امیرارسلان براساس نظریه تفرد یونگ». *مجله فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۱۲. صص ۶۵-۸۴.
- فریار، عبدالله (۱۳۲۳). «روان‌شناسی تحلیلی و ادبیات». *نشریه زبان و ادبیات، سخن*.
- فشارکی، محمد و خسرو محمودی (۱۳۹۰). «روان‌کاوی نمادها در داستان ضحاک». *مجله زیبایی‌شناسی ادبی*. ش ۹. صص ۱-۱۴.
- فلاح، غلامعلی و نوشاد رضایی (۱۳۹۴). «بررسی و مقایسه چهار دوره قهرمانی شاهنامه براساس نقد کهن‌الگویی». *مجله متن‌پژوهی ادبی*. ش ۶۵. صص ۱۶۱-۱۸۹.
- قائم، فرزاد (۱۳۸۹). «پیشینه و بنیادهای نظری رویکرد نقد اسطوره‌ای و زمینه و شیوه کاربرد آن در خوانش متون ادبی». *مجله نقد ادبی*. ش ۱۱-۱۲. صص ۳۳-۵۶.
- _____ (۱۳۹۰). «تحلیل انسان‌شناختی اسطوره فر و کارکردهای آن در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۷۴. صص ۱۱۳-۱۴۸.
- _____ (۱۳۸۹). «تفسیر انسان‌شناختی اسطوره اژدها و بن‌مایه تکرارشونده اژدهاکشی در اساطیر». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۷۱. صص ۱-۲۶.

- _____ (۱۳۹۱). «روش‌شناسی و مبانی کاربردی برخورد منتقد با متن در رویکرد نقد کهن‌الگویی / یونگی و پسایونگی». *مجله پژوهش‌های ادبی*. ش ۳۸. صص ۷۳-۱۰۰.
- _____ (۱۳۸۸). «شاهان خیره‌سر شاهنامه. نموداری از مشروط بودن نیروی فره در فرهنگ اساطیری ایران باستان». *مجله پائر*. ش ۷. صص ۷۸-۵۹.
- قائمی، فرزاد، ابوالقاسم قوام و محمدجعفر یاحقی (۱۳۸۸). «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نمودهای آن در شاهنامه فردوسی براساس روش نقد اسطوره‌ای». *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۶۵. صص ۴۷-۶۸.
- قائمی، فرزاد و محمدجعفر یاحقی (۱۳۸۸). «اسب؛ پرتکرارترین نمادینه جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن‌الگوی قهرمان». *مجله متن‌پژوهی ادبی*. ش ۴۲. صص ۹-۲۶.
- قبول، احسان و محمدجعفر یاحقی (۱۳۸۸). «شخصیت‌شناسی شغاد در شاهنامه»، *مجله جستارهای ادبی*. ش ۱۶۴. صص ۶۵-۸۱.
- قشقایی، سعید و محمدهادی رضایی (۱۳۸۸). «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت گردآفرید». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۱۴. صص ۹۹-۱۲۸.
- قلی‌زاده، خسرو و سحر نوبخت‌فرد (۱۳۹۳). «نقد و بررسی روند تکامل شخصیت قهرمان در هفت‌خان رستم و اسفندیار براساس نظریه یونگ». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. ش ۷۷. صص ۲۳۷-۲۷۰.
- کاظم‌زاده، رضا (۱۳۷۳). «بوف کور فروید و نقد ادبی (۱)». *مجله ایران‌شناسی*. س ۶. ش ۳. صص ۵۹۶-۶۰۶.
- _____ (۱۳۷۳). «بوف کور فروید و نقد ادبی (۲)». *مجله ایران‌شناسی*. س ۶. ش ۴. صص ۸۳۳-۸۴۱.
- کزازی، میرجلال‌الدین و مهدی‌رضا کمالی بانیانی (۱۳۹۵). «تحلیل شخصیت رستم در هفت‌خان براساس دیدگاه‌های یونگ و فروید». *مجله فنون ادبی*. ش ۱۷. صص ۱-۱۶.
- کمپبل، جوزف (۱۳۷۷). *قدرت / اسطوره*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.

- کوپا، فاطمه و دیگران (۱۳۹۴). «کهن‌الگوی قهرمان در منظومه آرش کمانگیر سیاوش کسرای». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۳۸. صص ۱۰۹-۱۲۸.
- کی‌گوردن، والتر (۱۳۷۰). «درآمدی بر نقد کهن‌الگویی». مترجم جلال سخنور. *مجله ادبیات فرهنگ و هنر*. ش ۱۶. صص ۲۸-۳۱.
- لک، ایران و احمد تمیم‌داری (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی کهن‌الگوی سفر و بازگشت قهرمان در شاهنامه و ادیسه». *مجله ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه، نامه فرهنگستان)*. ش ۱۳. صص ۱۶۱-۱۸۴.
- مصطفی رحیمی (مترجم) (۱۳۴۰). «رنالیسم و روان‌شناسی فروید». *نشریه زبان و ادبیات، سخن*. ش ۱۳۳.
- مرادی، سکینه (۱۳۹۷). «خورشیدجویی اسکندر در اسکندرنامه نقالی». *مجله فرهنگ و ادبیات عامه*. ش ۲۳. صص ۱۰۷-۱۳۰.
- مشیدی، جلیل و سونیا نوری (۱۳۹۶). «نقد کهن‌الگویی داستان 'دژ هوش‌ربا'». *مجله فنون ادبی*. ش ۱۸. صص ۱۰۷-۱۱۶.
- مظفریان، فرزانه (۱۳۸۴). «شاعران، وارثان آب و روشنایی و کهن‌الگوی سترگ آسمان». *مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۳۷-۶۲.
- مظفریان، فرزانه (۱۳۸۹). «نمودگاری اسطوره خورشید در متون نظم پارسی». *مجله تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*. ش ۵. صص ۱۸۱-۲۰۲.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۳). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- ملک‌پایین، مصطفی و علی‌اکبر سام‌خانانی (۱۳۹۲). «تحلیل میتوس‌های روایی لشکرکشی کیکاوس به مازندران در شاهنامه». *مجله شعرپژوهی*. ش ۱۸. صص ۱۵۱-۱۷۶.
- مهدوی، فرزانه و غلامحسین غلامحسین زاده (۱۳۹۲). «نارسایی‌های نقد روان‌شناختی در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. س ۱۰. ش ۴۱. صص ۷۷-۹۸.

مهرکی، ایرج (۱۳۸۰). «تحول شخصیت گرشاسب در اسطوره و حماسه». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۲. صص ۱۹۷-۲۱۴.

نحوی، اکبر و علی امینی (۱۳۹۲). «سیاوش و سودابه (بررسی تطبیقی موارد مشابه در اساطیر و ادبیات ملل)». *مجله شعرپژوهی*. ش ۱۵. صص ۱۳۹-۱۶۸.

نصراللهی، یدالله و عاطفه جنگلی (۱۳۹۲). «بررسی روان‌شناختی داستان سیاوش». *مجله زبان و ادب فارسی*. ش ۲۲۷. صص ۱۳۷-۱۶۲.

_____ (۱۳۹۶). «تحلیل روان‌شناسی اسطوره قهرمان و رویین‌تنی در داستان رستم و اسفندیار براساس نظریه‌های آدلر و رادن». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۴۸. صص ۲۶۹-۲۹۵.

نمازعلیزاده، سهیلا (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل داستان دژ هوش ربا براساس نظریات یونگ». *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۴۴. صص ۲۶۷-۲۹۲.

نوریان، سیدمهدی و اشرف خسروی (۱۳۹۲). «بررسی کهن‌الگوی پیر خرد در شاهنامه». *مجله شعرپژوهی*. ش ۱۵. صص ۱۶۷-۱۸۶.

واحددوست، مهوش (۱۳۸۱). *رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی*. تهران: سروش.

واردی، زرین و حمیده نظری اصطهباناتی (۱۳۸۹). «بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان سام‌نامه». *مجله پژوهش‌های ادب عرفانی*. ش ۱۴. صص ۷۷-۱۰۲.

واشقانی فراهانی، ابراهیم (۱۳۹۵). «تحلیل اسطوره کیومرث براساس نظریه روان‌شناسی شخصیت یونگ». *مجله زبان و ادبیات فارسی*. ش ۸۰. صص ۲۷۳-۳۰۰.

هاشمی، منیرالسادات (۱۳۸۴). «ارزش‌های رمزی و نمادین البرزکوه در جغرافیای اساطیری شاهنامه». *مجله ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد)*. ش ۸۷. صص ۱۹۳-۲۰۲.

یاوری، حورا (۱۳۷۰). «آسمان بر زمین بازتاب نمادین آرکی‌تایپ تمامیت و کمال ماندالا در ساختار بیرونی و درونی هفت‌پیکر». *مجله ایران‌شناسی*. ش ۱۱. صص ۵۴۸-۵۶۶.

- _____ (۱۳۷۱). «ظن و سرّ‌نگاهی بر بوف کور هدایت از دو منظر روان‌شناختی». نشریه/ایرانشناسی. ش ۱۴. صص ۳۷۴-۳۵۵.
- _____ (۱۳۷۲). «تأملی در نقد روان‌شناختی و رابطه روان‌کاوی و ادبیات در ایران». مجله/ایران‌نامه. ش ۴۵. صص ۱۵۸-۱۲۹.
- _____ (۱۳۷۳). «دو متن دو انسان دو جهان (از بهرام گور تا راوی بوف کور)». مجله/ایران‌نامه. ش ۴۶. صص ۳۱۸-۲۹۷.
- یزدان‌پناه، سپیده (۱۳۸۶). «نقد روان‌شناختی شخصیت ضحاک در شاهنامه». مجله پژوهش‌نامه ادب حماسی. ش ۵. صص ۱۸۶-۱۶۷.
- Afshar, E. (2011). *Ketābshenāsi -e Ferdosi va Shāhnāme as Aqāz -e Neveshtehāy -e Pazhuheshi ta 2006*. Tehran: Markaz -e Pazhuheshi -e Mirās -e Maktub Publication. [in Persian]
- Akbari -e Mafakher, A. (2011). “Osture -e Divhāy -e Nakhostin dar Shāhnāme”. *Motāle’āt -e Irāni*. No. 12. pp. 21-34. [in Persian]
- Atuni, B. (2011). “Naqd -e Ostureshenākhti -e Zharfā, bar Bonyād -e Kohan Nemuney -e Mādine Ravān”. *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 25. pp. 11-56. [in Persian]
- Aydanlu, S. (2005). “Bon Māye -e Asātiri -e "Ruidan -e Giyāh az Ensān" va Bāztāb-e ān dar Adab -e Fārsi”. *Jostārhāy -e Adabi*. No. 150. pp. 105-132. [in Persian]
- _____ (2009). “Noktehai az Revāyāt -e Pāyān -e Kār -e Zahhāk”. *Kāvosh Nāmey -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 18. pp. 9-48. [in Persian]
- 'Adnani, S. M. (2009). “Dorey -e Goshtāspi dar Hemāse Gozār Khodkāmegi az Osture be Tārikh”. *Jostārhāy -e Adabi*. No. 167. pp. 177-190. [in Persian]
- 'Ala'i, M. (2001). “Darāmadi Enteqādi bar Naqd -e Ostureshenākhti”. *Adabiyāt -e Dāstāni*. No. 58. pp. 8-13. [in Persian]
- 'Alami, Z., & S. Rahimi (2015). “Farāyand -e Fardiyat dar Dāstān -e Rostam va Sohrāb bar pāyey -e Shakhsiyat -e Sohrāb”. *Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 78. pp. 115-144. [in Persian]

- 'Alavi Moqaddam, M., & M. Sasani (2007). "Baresi -e Tatbiqi -e Bāzāfarini -e Osturehā dar She'r -e Mo'āser". *Motāle'āt -e Adabiyāt -e Tatbiqi*. No. 3. pp. 145-164. [in Persian]
- Bahadori, B. (1994). "Chon Dust Doshman Ast". *Adabiyāt -e Dāstāni*. No. 22. pp. 42-43. [in Persian]
- Bahrami Rahnama, Kh. (2012). "Baresi va Naqd -e Kohan Olgu'i -e Aeneid -e Virgil". *Pazhuhesh Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 27. pp. 1-24. [in Persian]
- Bahrami Rahnama, Kh., & M. Tavusi (2015). "Naqd -e Kohan Olgu'i -e Manzumey -e Bānu Goshasb Nāme". *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 40. pp. 135-164. [in Persian]
- Baraheni, R. (1965). "Molavi, Re'ālism, Rembo, Freud". *Zabān va Adabiyāt*. Faculty of Literature & Human Sciences of Tabriz University. No. 74. pp. 221-240. [in Persian]
- Barani, M., & F. Teymuri Fathi (2015). "Lozum -e Naqsh -e Kohan Olgu'y -e Pir -e Kheradmand dar Ta'lim -e Bashar". *Pazhuhesh Nāmey -e Adabiyāt -e Ta'limi*. No. 27. pp. 59-92. [in Persian]
- Bazargan, M. N. (2009). "Āb -o Afrāsiyāb". *Pazhuhesh Nāmey -e Adab -e Hemāsi*. No. 8. pp. 37-59. [in Persian]
- Campbell, J. (1998). *Qodrat -e Osture*. Abbās Mokhber (Tr.). Markaz Publication. [in Persian]
- Davidian, H. (1964). "Ahamiyat -e Baresi Asātir dar Ravānshenāsi -e Tahlili". Amir Fereydun Gorgāni (Tr.). *Sokhan, Zabān va Adabiyāt*. [in Persian]
- Emami, N., & A. Rokni (2012). "Tahlil -e Osturehāy -e Keykhosro, Garshāsb va Jamshid bar asās -e Ārā' -e Yung". *Adab -e Fārsi*. No. 9. pp. 1-8. [in Persian]
- Esma'ilpur -e Motlaq, A. (2000). "Osture, Honar va Adabiyāt". *Sh'er -e Bahar*. No. 28. pp. 6-15. [in Persian]
- Eqbali, E. et al. (2007). "Tahlil -e Dāstan -e Siyāvash bar pāyey -e Nazariyāt -e Yung". *Pazhuhesh -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 8. pp. 69-81. [in Persian]
- Fallah, Q., & N. Reza'i (2015). "Baresi va Moqāyesey -e Chehār Dorey -e Qahremāni -e Shāhnāme bar asās -e Naqd -e Kohan Olgui". *Matn Pazhuhi -e Adabi*. No. 65. pp. 161-189. [in Persian]

- Faryar, 'A. (1944). "Ravānshenāsi -e Tahlili va Adabiyāt". *Sokhan, Zabān va Adabiyāt*. [in Persian]
- Farzi, H., & H. Behzadi (2017). "Tahlil -e Kohan Ulgui Dāstān -e Amir Arsalān bar asās -e Nazariyey -e Tafarrood -e Yung". *Farhang va Adabiyāt -e 'Amme*. No. 12. pp. 65-84. [in Persian]
- Fazeli, F., & E. Kan'ani (2010). "Siyāvash, Shakhsiyati Ā'ini va Rāznāk dar Shāhnāme". *Pazhuheshhāy -e Adab -e Erfāni*. No. 13. pp. 93-108. [in Persian]
- Fesharaki, M., & Kh. Mahmudi (2011). "Ravānkāvi Nemādhā dar Dāstān -e Zahhāk". *Zibā'i Shenāsi Adabi*. No. 9. pp. 1-14. [in Persian]
- Gordon, W. K. (1991). "Darāmadi bar Naqd -e Kohan Olgu'i". Jalāl Sokhanvar (Tr.). *Adabestān -e Farhang va Honar*. No. 16. pp. 28-31. [in Persian]
- Haj Noruzi, N. (2013). "Tahlil -e Tasāvir -e Dāstān -e Siyāvash bar asās -e Nazariyāt -e Northrop Frye". *Tārikh -e Adabiyāt*. No. 72. pp. 71-86. [in Persian]
- Hashemi, M. (2005). "Arzeshhāy -e Ramzi va Nemādin -e Alborz Kuh dar Joqrāfiy -e Asātiri -e Shāhnāme". *Adabiyāt -e Fārsi* (Mashhad Āzād University). No. 7-8. pp. 193-202. [in Persian]
- Hoseini, M., & N. Shakibi Momtaz (2014). "Tahlil -e Ravānshenākhti -e Da'vat va Talab va Naqsh -e Ān dar Āshenā Sāzi va Tasharof -e Qahremānān". *Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 76. pp. 27-50. [in Persian]
- (2015). "Ravānshenāsi -e Osture va Dāstān, Ruykardi Novin dar Naqd -e Adabi". *Matn Pazhuhi -e Adabi*. No. 64. pp. 7-30. [in Persian]
- Hoseini, M., & S. Dehghani (2015). "Tahlil -e Farāyand -e Fardiyat az Nazargāh -e Yung dar "Eskandarnāme" Nezāmi". *Pazhuhesh -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 38. pp. 77-98. [in Persian]
- Irani, M., & Biglari, S. (2013). "Baresi va Tahlil -e Do Terāzhedi -e Sohrāb va Forud bar pāyey -e Nazariy -e "Mitux -e Terāzhedi" -e Frye". *Adab Pazhuhi*. No. 26. pp. 119-146. [in Persian]
- Ja'fari, T., & Z. Chuqadi (2013). "Bazshenāsi -e Kohan Olguha va 'Anāsor -e Nemādin dar Dāstān -e Bizhan - o Manizhe". *Fonun -e Adabi*. No. 8. pp. 155-168. [in Persian]

- Joqata'i, S., & M. Ansari Puya (2015). "Tahlil -e Kohan Olgu'i -e Dāstān -e Zāl o Rudābe". *Pazhuhesh Nāmey -e Adab -e Qenā'i*. No. 24. pp. 59-76. [in Persian]
- Kazemzade, R. (1994). "Buf -e Kur Freud va Naqd -e Adabi (1)". *Irānshenāsi*. No. 3. pp. 596-606. [in Persian]
- (1994). "Buf -e Kur Freud va Naqd -e Adabi (2)". *Irānshenāsi*. No. 4. pp. 833-841. [in Persian]
- Kazzazi, M. J., & M. R. Kamali Baniyani (2016). "Tahlil -e Shakhsiyat -e Rostam dar Haftkhān bar asās -e Didgāhhāy -e Yung va Freud". *Fonun -e Adabi*. No. 17. pp. 1-16. [in Persian]
- Khoshhal Dastjerdi, T., & M. Cheharmahali (2010). "Bāztāb -e Osturey -e Kāve dar Dāstān -e Kutāh -e Rajol -e Siyāsi -e Jamālzāde". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 170. pp. 119-146. [in Persian]
- Khojaste, F., & F. (Sh.) Sayadi (2011). "Baresi Kohan Olgu'y -e Āzmun dar Shāhnāme va Haft Peykar -e Nezāmi". *Tārikh -e Adabiyāt*. No. 68. pp. 93-110. [in Persian]
- Khosravi, A., & E. Toqyani (2010). "Tahlil -e Ravānkāvāney -e Shakhsiyat -e Sudābe va Rudābe (Yegānehay -e Do Suy -e Shāhnāme)". *Kāvosh Nāmey -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 21. pp. 9-38. [in Persian]
- Khosravi, A., M. Barati, & S. M. Rozatian (2013). "Baresi Kohan Olgu'y -e Sāye dar Shāhnāme". *Kāvosh Nāmey -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 27. pp. 75-102. [in Persian]
- Kupa, F. et al. (2015). "Kohan Olgu'y -e Qahremān dar Manzumey -e Ārash -e Kamāngir -e Siyāvash Kasrā'i". *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 38. pp. 109-128. [in Persian]
- Lak, I., & A. Tamimdari (2016). "Motāle'ey -e Kohan Olgu'y -e "Safar" va "Bāzgasht" -e Qahremān dar Shāhnāme va Odise". *Adabiyāt -e Tatbiqi (Vizhe Nāme, Nāmey -e Farhangestān)*. No. 13. pp. 161-184. [in Persian]
- Mahdavi, F., Q. Qolamhoseinzade (2013). "Nāresa'ihāy -e Naqd -e Ravānshenākhti dar Irān". *Pazhuheshhāy -e Adabi*. No. 41. [in Persian]
- Makaryk, I. R. (2011). *Dāneshnāmey -e Nazariyehāy -e Adabi Mo'āser*. Mehrān Mohājer & Mohammad Nabavi (Tr.). Tehran: Āgah Publication. [in Persian]

- Malek Pa'in, M., & 'A. A. Sam Khaniani (2013). "Tahlil -e Mitushāy -e Revā'i Lashkarkeshi -e Keykāvus be Māzandarān dar Shāhnāme". *She'r Pazhuhi*. No. 18. pp. 151-176. [in Persian]
- Mehraki, I. (2001). "Tahavol -e Shakhshiyat -e Garshāsb dar Osture va Hemāse". *Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 32. pp. 197-214. [in Persian]
- Moradi, S. (2018). "Khorshidju'i Eskandar dar Eskandarnāmey -e Naqāli". *Farhang va Adabiyāt -e 'Āmme*. No. 23. pp. 107-130. [in Persian]
- Moshayyedi, J., & S. Nuri (2017). "Naqd -e Kohan Olgu'i -e Dāstān -e "Dezh -e Hushrobā"". *Fonun -e Adabi*. No. 18. pp. 107-116. [in Persian]
- Mozaffaeian, F. (2005). "Shā'erān, Vāresān -e Āb -o Roshanā'i va Kohan Olgu'y -e Satorg -e Āsemān". *Kāvosh Nāmey -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 10. pp. 37-62. [in Persian]
- (2010). "Nemudegāri -e Osturey -e Khorshid ddar Motun -e Nazm -e Pārsi". *Tahqiqāt -e Ta'limi va Qena'i Zabān va Adab -e Fārsi*. No. 5. pp. 181-202. [in Persian]
- Nahvi, A., & 'A. Amini (2013). "Siyāvash va Sudābe (Baresi -e Tatbiqi -e Mavāred -e Moshābe dar Asātir va Adabiyāt -e Melal". *She'r Pazhuhi*. No. 15. pp. 139-168. [in Persian]
- Namaz 'Alizade, S. (2016). "Baresi va Tahlil -e Dāstān -e Dezh -e Hushrobā bar asās -e Nazariyāt -e Yung". *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 44. pp. 267-292. [in Persian]
- Nasrollahi, Y., & 'A. Jangali (2013). "Baresi -e RavānsHENākhti -e Dāstān -e Siyāvash". *Zabān va Adab -e Fārsi*. No. 227. pp. 137-162. [in Persian]
- (2017). "Tahlil -e RavānsHENāsi -e Osturey -e Qahremān va Ruintani dar Dāstān -e Rostam va Esfandiyār bar asās -e Nazariyehāy -e Adler va Raden". *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 48. pp. 269-295. [in Persian]
- Nurian, S. M., & A. Khosravi (2013). "Baresi -e Kohan Olgu'y -e Pir -e Kherad dar Shāhnāme". *She'r Pazhuhi*. No. 15. pp. 167-186. [in Persian]
- Pirani, M. (2016). "Shāhnāme, Zabān -e Zamir -e Nākhodāgāh-e Qom -e Irāni (Baresi Chand Mafhum -e Este'lā'i dar Shāhnāme bā Ruykard -e Zamir -e Nākhodāgāh-e Yung)". *Tārikh -e Adabiyāt*. No. 78. pp. 19-50. [in Persian]
- Poshtdar, A. M., & Y. Noro-al Dini Aqdam (2010). "Baresi -e Tatbiqi -e Osturey -e Iraj va Qesey -e Yusof". *Motāle'āt -e Dāstāni*. No. 2. pp. 30-59. [in Persian]

- Pur'ali, M., M. Taheri, & H. Aqajani (2018). "Kārkard -e Māvarā'i -e Osture dar bakhsh -e Asātiti -e Shāhnāme". *Kohan Nāmey -e Adab -e Pārsi*. No. 2. pp. 141-163. [in Persian]
- Purkhaleqi Chatrudi, M., & F. Qaemi (2010). "Tahlil -e Nemādinegiy -e Ātash dar Asātir bar mabnāy -e Nazariye -e Hamtarāzi va Ruykard -e Naqd -e Osturei bā Tamarkoz bar Asātir -e Iran va Shāhnāme Ferdosi". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 170. pp. 95-118. [in Persian]
- Qabul, E., & M. J. Yāhaqi (2009). "Shakhsiyat Shenāsi Shoqād dar Shāhnāme". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 164. pp. 65-81. [in Persian]
- Qa'emi, F. (2010). "Pishine va Bonyādhāy -e Nazari -e Ruykard -e Naqd -e Osture'i va Zamine va Shivey -e Kārbord -e Ān dar Khānesh -e Motun -e Adabi". *Naqd -e Adabi*. No. 11-12. pp. 33-56. [in Persian]
- (2011). "Tahlil -e Ensānshenākhti -e Osturey -e Far va Kārkardhāy -e Ān dar Shāhnāme Ferdosi va Asātir -e Irān". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 174. pp. 113-148. [in Persian]
- (2010). "Tafsir -e Ensānshenākhti -e Osturey -e Ezhdehā va Bonmāyey -e Tekrārshavandey -e Ezhdehākoshi dar Asātir". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 171. pp. 1-26. [in Persian]
- (2012). "Ravesh Shenāsi va Mabāni Kārbordiy -e Barkhord -e Montaqed bā Matn dar Ruykarde Naqd -e Kohan Ulgui / Yungi va Pasā Yungi". *Pazhuheshhāy -e Adabi*. No. 38. pp. 73-100. [in Persian]
- (2009). "Shāhān -e Khire Sar -e Shāhnāme, Nemudāri az Mashrut Budan -e Niruy -e Farre dar Farhang -e Asātiri -e Irān -e Bāstān". *Pāzh*. No. 7. pp. 59-78. [in Persian]
- Qa'emi, F., A. Qavam, & M. J. Yahaqi (2009). "Tahlil -e Naqsh -e Nemādin -e Osturey -e Āb va Nemādhāy -e Ān dar Shāhnāme Ferdosi bar asās -e Ravesh -e Naqd -e Osture'i". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 165. pp. 47-68. [in Persian]
- Qa'emi, F., & M. J. Yahaqi (2009). "Asb, Por Tekrārtarin Nemādiney -e Jānevāri dar Shāhnāme va Naqsh -e Ān dar Takāmol -e Kohan Olgu -e Qahremān". *Matn Pazhuhi -e Adabi*. No. 42. pp. 9-26. [in Persian]
- Qashqa'i, S., & M. H. Reza'i (2009). "Tahlil -e Ravānkāvāney -e Shakhsiyat -e Gord Āfarid". *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 14. pp. 99-128. [in Persian]
- Qolizade, Kh., & S. Nobakht Fard (2014). "Naqd va Baresi -e Ravand -e Takāmol -e Shakhsiyat -e Qahremān dar Haftkhān -e Rostam va

- Esfandiyār bar asās -e Nazariy -e Yung”. *Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 77. pp. 237-270. [in Persian]
- Rahimi, M. (Tr.) (1961). “Re’ālism va Ravānshenāsiy -e Freud”. *Sokhan, Zabān va Adabiyāt*. No. 133. [in Persian]
- Rajabian, S., & M. Nikmanesh (2014). “Garshāsb: Shebh -e Qahremān -e Hemāsey -e Asadi”. *She’r Pazhuhi*. No. 21. pp. 93-116. [in Persian]
- Rastegar Fasa’i, M. (2001). “Osturehāy -e Peykar Gardāni”. *Motāle’āt -e Irāni*. No. 1. pp. 139-176. [in Persian]
- Rozatian, S. M. (2009). “Ramz Goshā’i Qesey -e Salāmān va Absāl -e Honayn Ibn Eshāq bā Tavajoh be Kohan Olguy -e Yung”. *Fonun -e Adabi*. No. 1. pp. 97-106. [in Persian]
- Safari, J., & H. Mahmudnezhad (2006). “Baresi -e Barkhi az Kohan Ulguhā dar Ash’ār -e Ahmad Shāmlu”. *Pazhuheshhāy -e Adabi*. No. 11. pp. 113-144. [in Persian]
- Saffari, N., M. Mosaffa & Zh. Amuzegar (2010). “Hemāsehāy -e Rostam va Khāndānash”. *Kohan Nāmey -e Adab -e Pārsi*. No. 1. pp. 59-72. [in Persian]
- Salahi, 'A., & J. 'Eshqi (2015). “Baresi -e Nemudhāy -e Manfi Ānimā dar Adabiyāt va Osurehā”. *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 40. pp. 263-290. [in Persian]
- Sana’i, M. (1969). “Ferdosi: Ostād -e Terāzhedi”. *Yaqmā*. No. 249. pp. 119-126. [in Persian]
- (1969). “Ferdosi: Ostād -e Terāzhedi”. *Yaqmā*. No. 250. pp. 179-186. [in Persian]
- (1969). “Ferdosi: Ostād -e Terāzhedi”. *Yaqmā*. No. 252. pp. 299-303. [in Persian]
- (1969). “Ferdosi: Ostād -e Terāzhedi”. *Yaqmā*. No. 254. pp. 425-432. [in Persian]
- (1987). “Ārezuy -e Kām Nayāfte (Tahlil -e Ravānshenākhti -e Se Qatre Khun)”. *Mofid*. No. 5. p. 18. [in Persian]
- (1987). “Barzakh -e Rābete (Baresi -e Ravānshenākhti -e Āsār -e Chubak)”. *Mofid*. No. 6. p. 23. [in Persian]
- (1987). “Bā Marg be Setiz -e Marg (Baresi -e Ravānshenākhti -e Malakut)”. *Mofid*. No. 7. p. 35. [in Persian]
- (2001). *Tahlilhāy -e Ravānshenākhti dar Honar va Adabiyāt*. Tehran: Markaz Publication. [in Persian]

- Sami'i Gilani, A., & A. Khatibi (2011). *Be Farhang Bāshad Ravān Tandorost*. Farhangestān -e Zabān va Adabiyāt Fārsi Publication. [in Persian]
- Satari, J. (1970). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 96-97. pp. 49-55. [in Persian]
- (1970). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 100. pp. 38-41. [in Persian]
- (1971). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi (Nemādhāy -e Mādar va Rastākhiz)". *Honar, Honar o Mardom*. No. 109. pp. 32-35. [in Persian]
- (1971). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 111. pp. 30-33. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 114. pp. 74-75. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 117. pp. 37-38. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 118. pp. 22-23. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 119-120. pp. 28-29. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 121. pp. 73-74. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 122. pp. 47-48. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 123. pp. 59-60. [in Persian]
- (1972). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 124-125. pp. 63-64. [in Persian]
- (1973). "Romuz -e Qese az Didgāh -e Ravānshenāsi". *Honar o Me'māri, Honar o Mardom*. No. 126. pp. 100-103. [in Persian]
- (1983). "Negāhi be Chashmandāzhāy -e Osture". *Āyande, Majmu'e Zabān va Adabiyāt*. No. 5. pp. 330-335. [in Persian]
- Satari, R., A. K. Bagheri Khalili, & S. Khosravi (2017). "Rostam va Jost-o-Joy -e Fardiyat dar Jahāngirnāme". *Pazhuhesh -e Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 44. pp. 55-80. [in Persian]

- Satari, R., & M. Haqiqi (2014). "Naqd -e Kohan Olgu'y -e Rishehāy -e Dogāne Engāri -e Osture'i dar Shāhnāme Fredosi". *Matnshenāsi Adab -e Fārsi*. No. 21. pp. 111-130. [in Persian]
- Schultz, D. (1980). "Olgu'y -e Yung (Ensān -e Fardiyat Yāfte)". Giti Khoshdel (Tr.). *Ārash, Human Sciences*. pp. 72-92. [in Persian]
- Sediqi, M. (2012). "Sām/ Sohrāb, Zāl/ Rostam: Nabard -e Pedar va Pesar". *Bustān -e Adab*, Shiraz University. No. 11. pp. 123-148. [in Persian]
- Shahbadi'zade, M., & R. Ashrafzade (2018). "Tahlil -e Kohan Olgu'i -e Shakhsiyat -e "Kush -e Pil Dandān" bā Ruykard be Kohan Olguhāy -e "Pir -e Kheradmand" va "Velādat -e Dobāre"". *Pazhuhesh Nāmey -e Adab -e Hemāsi*. No. 26. pp. 155-173. [in Persian]
- Shakibi Momtaz, N. (2010). "Jaygāh -e Siāvash dar Asātir". *Matnshenāsi Adab -e Fārsi*. No. 5. pp. 101-116. [in Persian]
- Shamisa, S. (1989). "Dāstān -e Yek Ruh az Didgāh -e Yungi". *Keyhān -e Farhangī*. No. 65. pp. 38-43. [in Persian]
- Shirdel, Z., & A. Rahimi (2017). "Tahlil -e Osturey -e Kudak -e Rahā Shode dar Shāhnāme az Didgāh -e Ravānshenāsi -e Yung". *Zabān va Adab -e Fārsi*. No. 236. pp. 141-166. [in Persian]
- Tabasi, H. et al. (2010). "Kerdārshenāsi -e Garshāsp dar Gozār az Osture be Hemāse va Tārikh". *Jostārhāy -e Adabi*. No. 171. pp. 43-66. [in Persian]
- Taheri, M., & H. Aqajani (2013). "Tabyin -e Kohan Olgu'y -e Safar -e Qahremān bar asās -e Ārāy -e Yung va Kambel dar Haftkhān -e Rostam". *Adabiyāt -e Erfāni va Ostureshenākhti*. No. 32. pp. 103-122. [in Persian]
- Taheri, M., H. Aqajani, & F. Reza'i (2014). "Baresi -e Kohan Olgu'y -e Pir -e Farzāne dar Dāstān -e Zāl". *Adab Pazhuhi*. No. 28. pp. 155-179. [in Persian]
- Taslimi, A., & S. M. Mir Miran (2010). "Farāyand -e Fardiyat dar Shāhnāme bā tekiye bar Shakhsiyat -e Rostam". *Adab Pazhuhi*. No. 14. pp. 29-48. [in Persian]
- Toqyani, E., Z. Chuqadi, & T. Ja'fari (2011). "Tahlil -e Ravānshenākhti -e Nemādhā va Kohan Olguhā dar Dāstān -e Kerm -e Haftvād -e Shāhnāme Ferdosi". *Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 71. pp. 87-112. [in Persian]
- Vaheddust, M. (2002). *Ruykardhāy -e 'Elmi be Osture Shenāsi*. Tehran: Soroush Publication. [in Persian]

- Vāredi, Z., & H. Nazari Estahbanati (2010). "Baresi -e Sākhtār -e Osture'i dar Dāstān -e Sām Nāme". *Pazhuheshhāy -e Adab -e Erfāni*. No. 14. pp. 77-102. [in Persian]
- Vāshaqani Farahani, E. (2016). "Tahlil -e Osturey -e Kiyumars bar asās -e Nazariyey -e Ravānshenāsi -e Shakhsiyat -e Yung". *Zabān va Adabiyāt -e Fārsi*. No. 80. pp. 273-300. [in Persian]
- Yavari, H. (1991). "Āsemān -e bar Zamin, Bāztāb -e Nemādin -e Ārki Tāyp Tamāmiyat va Kamāl -e Māndālā dar Sākhtār -e Biruni va Daruni -e Haft Peukar". *Irānshenāsi*. No. 11. pp. 548-566. [in Persian]
- (1992). "Zan va Ser - Negāhi bar Buf -e Kur -e Hedāyat az do Manzar -e Ravānshenākhti". *Irānshenāsi*. No. 14. pp. 355-374. [in Persian]
- (1993). "Ta'ammoli dar Naqd -e Ravānshenākhti va Rābetey -e Ravānkāvi va Adabiyāt dar Irān". *Irān Nāme*. No. 45. pp. 129-158. [in Persian]
- (1994). "Do Matn, Do Ensān, Do Jahān (az Bahrām -e Gur ta Rāvi -e Buf -e Kur)". *Irān Nāme*. No. 46. pp. 297-318. [in Persian]
- Yazdan Panah, S. (2007). "Naqd -e Ravānshenākhti -e Shakhsiyat -e Zahhāk dar Shāhnāme". *Pazhuhesh Nāmey -e Adab -e Hemāsi*. No. 5. pp. 167-186. [in Persian]
- Zaymiran, M., & F. Seyhun (1993). "Negareshi Tatbiqi bar Osture 'Eshq dar Farhanghāy -e Kohan bā Tekye bar Andishehāy -e Hāfez". *Irānshenāsi*. No. 20. pp. 745-757. [in Persian]

